

بآن د کتر میدهد چون د کتره واجب از دولت میگردد این حق از همه ارادات ضبط میکند و اضافه میکند بر این بیست هزار تومان که مؤسسه دفع آفات حیوانی را توسعه میدهد و این گمان نمیکند اشکالی داشته باشد

یک نظر دیگر فرمودند که هر وقت یک لایحه مفیدی بپسندید میباید یک خرجی هم دنبالش دولت میخواهد و صحت کند

ما خودمان هم مین کار را میکنیم لایحه ممیزی بپسند آمد ولایحه اخذ مالیات هم بود ما یک صد یک هم برای معارف و یک صدتوم برای دفع آفات حیوانی بآن ضمیمه کردیم

لایحه مایدات برادر برای دولت ملی ما یک خرجی هم ضمیمه کردیم معظوررومانی هم ندارد بلکه معاسن هم دارد که بر این بیست هزار تومان یک مبلغ دیگری هم افزوده شود و درآورد این مؤسسه را توسعه بدهند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - نسبت به کفایت مذاکرات مخالفی هست؟

یاسائی - بله بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

یاسائی - ماده دوم که در ضمن وزارت که بیستون بودجه گنجانده شده در واقع خیلی سهل و ساده بود شکلی ندارد یک مالیات خیلی سنگینی بر مردم تعمیم میشود ما هم داریم سهل انگاری میکنیم؟ آقایان هم میگویند مذاکرات کافی است؟

در اینجا نوشته شده برای هر گاو که تزریق میشود و دوز آن باید بدهند آیا حساب کردید که این پول چقدر میشود و میداند الان اهالی گیلان و آذربایجان چه ابتلائی دارند؟

عقیده بنده اینست که این لایحه سکوت نماند تا یک لایحه مرتب و منظم تری از وزارت مالیه تقدیم مجلس بشود بعد در آن باب صحبت کنیم

رئیس - رای می گیریم به کفایت مذاکرات
د کتر آقایان - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - معمولاً پیش از یک نفر نمیتواند صحبت کند

رای میگیریم به کفایت مذاکرات

آقایانیکه موافقت فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. یک رای دیگر باید بگیریم چون این رای یک لایحه جلبدیده فرض کردیم رای میگیریم برای ورود در شوره واد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد
مادامال بضمیمه تبصره یکدفعه دیگر فرات می شود
(مجید را شرح سابق خوانده شد)
رئیس - آقایان رهنا (اجازه)

رهنا - موافقم
رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - این حق الزحمه که در این ماده نوشته شده بنده این را نافع برای بیشترت اینکار نمیدانم زیرا در ملک ما عیاناً تزریق سرم ووا کسن بگاو ها و جهت خیلی بیی پیدا کرده برای اینکه علاوه بر اینکه بعضی جاها یک تبلیغاتی بر ضد این کار شده در بعضی ولایات که شروع باین عمل کرده اند در موقی این تزریق را میگرداند که ناخوشی در بین حیوانات تکون یافته شده بوده است

بنابر این اغلب حیوانات تلف شده اند یعنی مردن آنها را تسریع کرده است و این مسئله یک وجه بیی پیدا کرده و اغلب رعایا معالفتند با اینکه گاوهاى خود را سوزن بزنند و اغلب ملاکین اعتماد کاملی باین کار ندارند

شیروائی - آمد و بنیامد دارد
فرمند - بنده خودم در همدان باین کار اقدام کردم و خودم از این سرم وارد کردم ۴ برای گاو دوازده شاهی و برای کوسفند شش خاهی تمام شد و در این ماده دوز آن برای گاو پنج شاهی برای کوسفند منظور گردماند در صورتیکه اگر در اینجا سرم ووا کسن را تهیه کنند خیلی ارزانتر تمام می شود

عقیده بنده اینست که دولت این کار را مجانی بکند و علاوه یک جنبه اجباری هم باین مسئله بدهد و قبل از آنکه ناخوشی در یک بلوکی پیش بیاید باین کار اقدام نکنند و قاعده اش هم این است که در فصل به از این سوزنها را بزنند - علاوه هر کاری که بعداً شروع بآن می شود مردم عادت بآن ندارند و صلاح اینست که دولت آنرا مجانی کند که مردم خیال نکنند این یک مالیاتی است

علاوه الان مجلس بیست هزار تومان برای اینکار تصویب کرد و با پنج هزار تومانی ممکن است مقدار زیادى را کسن تهیه کرد چنانکه در انتیستیوستوره هم یک مقدار زیادی وا کسن های ضد شارین تهیه کرده اند و البته برای تهیه وا کسن های ضد طاعون گاوی مخارج زیاد تری لازم است و آنرا هم مشقول درست کردنش هستند

اما این مبلغی که در این ماده نوشته شده زیاد است و عقیده بنده اینست که دوز آن یک قران و پنج شاهی سه شاهی

شود و اکثر مجانی هم بشود بهتر است
اما اینکه آقای حائری زاده فرمودند دلیل ندارد که ما بیست هزار تومان از ولایات بگیریم و بیاریم در اینجا خرج کنیم
بنده تصور میکنم که آقایان اشتباهی کردند برای اینکه این مرض یکی از امراض مسریه است و جلوگیری آن در یک ولایتی برای ولایات دیگر هم نافع است و اگر از همدان پول بگیریم و بیاریم برای طهران خرج کنیم این برای همدان هم نافع است

بهر حال هر چه دولت در این راه خرج کند برای وضعیت مملکت نافع است چون این مرض در این سه ساله اخیر متجاوز از هفت هشت کرور صد صد گاو میری مردم زده است و هر چه دولت برای این دار خرج کند برای صلاح مملکت است و از این ترتیب مجانی شود بهتر بیشترت می کند

وزیر فواید عامه - بطوریکه آقای فرمند حق الزحمه برای بیشترت این کار نافع نیست برای اینکه اغلب ملاکین پارعیایا اعتقاد کاملی ندارند ولی الحمدلله خود آقا که یکی از معتقدین به این مسئله هستند و اقداماتی هم کرده اند - وا کسن هم وارد کرده اند تصدیق میفرمایند که ما نباید دارهائی که میکنند ببینیم رعایا با اطلاعاتی که دارند با قائلانسی که در تجربیاتشان هست بآن دار معتقد هستند یا نه؟

ممکن است بلکه همین طور هم هست که غالب رعایا معتقد نیستند باینکه موقی مریض میشوند برون خودشان را معالجه کنند یا بطبییب رجوع نمایند ما باید اقدام کنیم و این اعتقاد را هم پادوبیم که وقتى گاوش ناخوش شد یا خودش مریض شد برون معالجه کند پس تمام صحبت بر میگردد باین موضوع که آیا این پولی را که ما میخواهیم بگیریم و البته احتیاج هم داریم آیا این پول را از کسینکه الان گاوش مریض شد و احتیاج دارد و مستقیماً و در درجه اول از اقدام ما منتفع می شود از آن شخص بگیریم یا از همه مردم؟

این دو اصل است و تصور می کنم آقایان هم تصدیق داشته باشند که بهترین مالیاتی آن مالیاتی است که از اشخاصی گرفته شود که مخصوصاً انتفاع بیشترت می برند

بنابر این هر کسی پیشتر فائده می برد باید سعی کرد که اگر مخارجی بپای می شود از خود او گرفته شود و این مطلب را هم تصدیق داریم که وقتى گاو میری در یک نقطه از مملکت شروع شد اکثر جلوب گیری شود ممکن است ضرر هم به نقاط برسد حتی بیا اشخاصی هم که گاو ندارند

ولی بطور کلی اگر ما میخواهیم داخل

در این حساب بشویم که تمام مسائل قضایای مملکت مربوط بملدیگر است و کاری بگیریم که مخارج راهم بدهند و گارد داشته باشیم باین که کی هایترا استفاده میکنند از آن مخارجی که دولت میکنند

بنده گمان میکنم علاوه بر اینکه خراج از انصاف است مردم راهم بیشتر بجز خدمت انفاذ این بلی اگر برای ما امکان داشت که بقدر کافی سرم ووا کسن وارد کنیم معانای بزنیم - بنده می گفتم که اعتقاد رعایا راهم نباید در نظر گرفت بلکه این قضیه را باید اجباری کرد و بعضی اینک دولت دیدند یک نقطه دارد گاومیری شروع میشود باید تمام اقداماتی را که لازمت بکند ولو این که صاحبان آنهم هیچ عقیده نداشته باشند - ولی فعلاً از برای بودجه مالیاتطور گذشت ها و مصارف عیاناً ممکن نیست

بنده خیال میکنم که آقایان در اساس مسئله حرقی ندارند و همه میدانیم که در اساس قضیه باید یک اقدامات فوری کرد و یک کاری کرد که در ولایات از گاو میری که مدتی است اسباب زحمت برای همه مردم شده است جلوگیری بعمل آید اگر این دو مسئله را تصدیق دارید آنوقت باید یکی از این دو راه را معین کنید یا اینکه بگوئید این مالیاتی که بسته میشود همه درش شرکت کنند یا اینکه اجازه بدهید ما از اشخاصیکه خودشان در زحمت افتادند و غالباً خودشان هم رجوع می کنند بگیریم

چون ما هر روز در وزارت معانای قضای آنها را می بینیم و بر اینها اوردیم به اینکه هست شاهد بر این قضیه است که از غالب نقاط تلگراماً کتباً ملاکین و اشخاصیکه دارای گاو هستند تقاضای کنند که اگر طبیب نفرستند لااقل سرمش را بفرستید خودمان این کار را میکنیم و این طور هم نیست که بگوییم بی اعتقاد باشند

بنا بر این در صورتیکه ما میتوانیم تمام مخارج این کار را خودمان بدهیم خوب است از اشخاصیکه خودشان تضامی کنند گرفته شود چه ضرر ندارد

اما اینکه آقای آقا سیدی مقبول فرمودند ممکن است ابدی بشود بلی در سابق بنده تصدیق دارم که اگر یک وقتی بر حسب اتفاق قرار شد یک مالیاتی گرفته شود میباید جز بودجه مملکتی و شاید حالا هم بعضی هایش همین طور باشد

اما ملاحظه فرمایند که در اینجا نوشته شده است در موقی که صاحب کار تقاضا کند و گاوش مریض باشد بخواهند برون تزریق کنند یا بستی دو قران بدهند یا باین مسکنست صورت مالیات بخودش بگیرد؟

مثلاً یک کسی گاو ندارد سال آینده

بباید بگویند چون شادو سال پیش از این گاو داشتند و گاو شما هم در آن موقع ناخوش شده بود و دو قران دادید حالا هم باید بدهید

پس در این خصوص هم بنده گمان نمیکنم نگرانی باشد و چون تمام آقایان هم میل دارند که در این قضیه اقتصادی مملکت باندازم ای که از دستشان برمی آید اقداماتی بکنند و این گاومیری که یک ضررهای فوق العاده دارد باین مملکت میزند چه با آنها اینکه گاو دارند و چه با آنها ای که ندارند باید بهتر شکلی که هست جلوگیری کنیم و الان پولی هم نداریم که بیاییم صد هزار تومان یا دوست هزار تومان خرج باینکار کنیم

پس اجازه بدهید هر کسی که ملققت شد که در مسایکی او کاری مریض بوده و آمده اند تزریق کرده اند و خوب شده است و آمد و تقاضا کرد که بیایند گاو مرا هم تزریق کنید اجازه داشته باشیم که بگوئیم بسیار خوب ما می آئیم گاو تو را معالجه میکنیم و تو راضی می کنی ولی بایستی دو قران بدهی

رئیس - آقایان تجدید (اجازه)

تجدید - راست است که این دو قران مالیات نیست ولی این یک پول بی انصافانه ایست دولت هشت صد و پنجاه هزار تومان بعنوان مخارج انتظامی در بودجه منظور میکند

مخارج انتظامی که است عبارتست از تنقیه فنونات برای اینکه زراعت بشود و مملکت عایدات پیدا کند کدام وسیله زراعتی بهتر از گاو است؟

از آن هشتصد و پنجاه هزار تومان که در سال دولت میگیرد وقتى هم که صورت شواسته شود خالصات همدانرا صورت میدهند از آن مخارج انتظامی این بیست هزار تومان هم دولت باید قبول و خرج کند

بعضی مخارج است که دولت در مقامش نباید انتظار منافع داشته باشد از قبیل مخارج بست و تلگراف هیچ وقت دولت نباید منتظر باشد که بودجه بست و تلگراف همیشه نفع بدهد بلکه اگر بنگردیم هم کمتر بود باید دولت ضرورت را تعدل کند زیرا حیات اقتصادی این مملکت را باید توسط او ادامه بدهد و هر روز شما میخواهید بیست هزار تومان برای گاو میری خرج کنید

بهردم فشار می آید که از آن ها بگیری در صورتی که یکی از نمایندگان اظهار کردند که هر سر می دوازده شاهی تمام می شود و شادو قران میخواهد بگیرد علاوه این تبصره مانع نیست معنی چه برای اینکه از یک طرف می گویند

که گاومیری شروع شده و وارد بملکت شده میتزید باید رفت و از این مرض جلوگیری کردیم نی مأمور مالیه وقتى وارد یکدهی شدودیه این مرض در آن جا شوع دارد شروع بکار بکنند

پس دیگر این عبارت (صاحبان آن ها تقاضا کرده باشند) یعنی چه؟ اگر صاحب گاو تقاضا نکرد آیا سرم بگاو میزنند یا نه اگر سرم تزریق می کنند صاحب گاو می گوید من که تقاضا نکردم دو قران را هم ندهم آن وقت بین مردم و مأمورین دولت یک دعوا می شود

اگر تزریق نمی کنید پس چرادی دارد بخروج مأمورین چیزها را بدهید همین جا وزارت توائنه عامه اعلامن میکند هر کس سرم یا وا کسن می خواهد بیاید از وزارت قوائنه عامه بفرده اگر میل داریم می خریم وا کس را اگر هم میل نکردم معاون وزارت فواید عامه واجب به اظهاراتی که آقایان تجدید کردند بنده مجبورم یک عرایضی عرض کنم اول این جا باید یک توضیحاتی عرض کنم که گوا کسن با سرم فرق دارد

سرم غیر از وا کسن است فرمودند وا کسن از رویا برای من وارد شد از قرار دوازده شاهی و در این جا قیمت دو قران معین شده این طور نیست ما واکسنی که از اروپا برای شما دوازده شاهی وارد شده یک شاهی تمام کردیم یعنی یک میلیون واکسنی که از اروپا بیی پنج هزار تومان وارد طهران می شود ما بدو هزار و پانصد تومان تهیه کردیم

بنابر این جای نگرانی نخواهد بود و در آتیه هم هر چه بپول گرفته شود بصرف مؤسسه خواهد رسید

اما سرم را در اول و هله ما خیلی سعی کردیم که از اروپا وارد کنیم و حتی آدم هم فرستادیم تا بجزانترین هم رقت بعد دیدیم سرمی که ما می خواهیم وارد کنیم برای هر گاو از دو تومان الی سه تومان برای ما وارد می شود اگر باین سی هزار تومانی که ما دارم میخواستیم از خارجه سرم بخریم نازده هزار سرم داشتیم آن وقت دیگر ما نه مؤسسه داشتیم و نه ماوردنی داشتیم که بتوانیم این کار را کنیم و یک موسسه ترتیب دادیم و یک صد را برای این کار ترتیب کردیم که حالا سرم ووا کسن می سازند و این سرم ووا کسن که آقایان میفرمایند نباید پول گرفته شود صحیح است ولی باینجه هزار تومان بودجه ما هیچ وقت نمی توانیم این عملیات را در تمام مملکت توسعه بدهیم متلاوتی که ما در مازندران بارش شروع قدامات کنیم پول ما در همان جا تمام می شود آن وقت جواب شیرازی را چه بدهیم جواب اصفهانی را چه بدهیم

مثلاً اینکه در مجالسه کلاماً دو هزار دز سرم فرستادیم باز تلگرافانی کرده اند که آنجا تقریباً پنج هزار سرم لازم دارد خوب ملاحظه فرمائید هر سر می برای مؤسسه ما پنج قران تمام می شود آن وقت ما چطور می توانیم این کار را کنیم؟ بالاخره موقوف نمیشویم که در تمام ولایات عملیات خودمان را توسعه بدهیم و بنده شخصاً اگر این مرض را نمی کردم بچشم در آتیه بن ایراد می کردند که چرا شما این حرف را زدید بنده با این تبصره که در این جا نوشته شده مخالفم عرض می کنم که باید یک قانونی وضع کرد که در هر چائی که شارین پیدا شد بایستی حتماً وا کسن را زدند و لایلی را که دارم و مجبورم عرض کنم این است که امروزه متأسفانه شارین در حیوانات فقط هست بلکه بانسان هم سرایت کرده حتی آقایان اگر عبور کرده باشند از قم دیده اند اشخاصی را که زخم دار هستند اینها چیست؟ اینها همان شارین است که که از حیوانات سرایت میکنند

حالا اگر از حیوانات جلوگیری جلوگیری نکنید وقتی بانسان سرایت کرد دیگر از انسان را نمیتواند جلوگیری کند و اگر ما می خواستیم سرم ووا کسن از اروپا وارد کنیم بنده بقیه دارم این کار عملی نبود و امروزه که ما نتوانستیم سرم ووا کسن ضد شارین را در این جا تهیه کنیم البته بطور خوبی موفق به انجام این عمل خواهیم شد و باید عرض کنیم که تزریق سرم ووا کسن چیست واکسن برای جلوگیری از پیدا شدن مرض است سرم برای وقتى است که مریض می شود معالجه می کنند سابقاً اگر سرم از اروپا آورده بودند و در این جا داشتیم میتوانستیم او را معالجه اش کنیم و اگر نداشتیم این آدم مجبور بود بپردد ولی حالا ما در این جا خودمان سرم تهیه می کنیم که هم انسان را معالجه میکنیم و هم حیوان را

بنابر این بنده با این تبصره مخالف هستم و عرض میکنم که باید آقایان موافقت فرمایند این تبصره بکنی از این جهت برداشته شود که در هر نقطه شارین پیدا شد فوراً جلوگیری بعمل بیاید و بالا روده ویوستی که از این جا برده اند در خاک روده و هشتائی توقیف شده است و از این نقطه نظر سالی بیست میلیون بهادرات مملکت ایران صدمه خواهد خورد

نه اینکه تنها از نقطه نظر داخلی و امراضی که بانسان سرایت میکند ممکن است ما در زحمت باشیم بلکه برای صادرات و عایدات مملکتان هم مضر خواهد بود

بنابر این بنده تمنا میکنم که آقایان موافقت فرمایند این تبصره را بردارند مضربنده کلاماً با فرمایشات آقای معاون مخالفم و کسبون هم مخالف است و

تصور می کنم که اکثریت مجلس هم مخالف باشد

فرمایش آقا از نظر من را خیلی خوبست که مسائل حفاظت صحه را در مملکت باید طورى بکنند که هر جا مرض شروع شود فوراً قوای دفاعیه در آن جا حاضر کنند و دفع آن مرض را بکنند ولی مملکتی که هنوز آبله کوئی را نتوانسته است عمومی و اجباری کند برای سرم گاو و کوسفند با نداشتن پول دولت حق ندارد بیاید در اینجا و بگوید که من میخواهم این کار را اجباری کنم و مخالف باین تبصره بشود

ما این تبصره را برای این نوشته ایم که فلان آدمی که گاوش مرد مأمور از او مطالبه کرد قران نکند اگر خودش تقاضا کرد که گاوش را سرم بزنند که دو قران را هم میدهد

حالا اگر دولت یک روزی یک پول زیادی پیدا کرد و توانست که این کار را در تمام مملکت توسعه بدهد و مجانی کند آنوقت با اجباری بودنش ممکن است موافقت کردولی امروز با این چهل پنج هزار تومان پول نمیتواند فقط اطراف طهران را اداره کند و جلوب این مرض را بگیرد و بالاخره با این تبصره مخالفت کردن بعقیده من یک حرف حسابی نیست و من معتقدم که اگر آقا پولی سراغ دارند که میتواند برای خرج دفع آفات حیوانی در تمام مملکت مؤسساتی دائر بکنند که عمومی و مجانی باشد بفرمایند موافقت می کنم و الا حرفش را پس بگیرند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زهیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

زهیم - این لایحه یک چیزی است که امروز بدون اینکه سابقه داشته باشد بپسند آمده است یک مخارج انتظامی که در یک مملکتی میخواهد بشود اینجا صورت یک مالیاتی را دارد پیدا میکند و این را من از هر جهت مضر میدانم و لازم است در این خصوص بحث شود تا واقعاً ببینیم طرف خوبش چیست و طرف زشتش کجاست

بنده که هر چه فکر کردم طرف خوبی درش ندیدم زیرا میفرمایند واکسن دانه یکشاهی تمام می شود بنا بر این دلیل ندارند و دو قران بگیرند

معاون وزارت فواید عامه بنده عرض نکردم دانه یکشاهی تمام میشود عرض کردم سرم برای مؤسسه ما پنج قران تمام میشود ووا کسن ممکن است خیلی ارزانتر ماوا کسن وارد میشود در اینجا تمام میشود و در موضوع تبصره هم آقای حائری زاده فرمودند بنده عقیده شخصی خودم را عرض کردم قبول و عدم قبول آن بسته بنظریات مجلس است

رئیس - میخواستم تذکر بدهم که این لایحه دو شور دارد بنابراین ممکن است نظریه آقایان تأمین شود. رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلاق قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است. پیشنهادات واصله قرائت میشود و ارجاع میشود بکمیسیون

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد نظامی - بنده پیشنهاد میکنم الف حق الزحمه تزریق گاو فردی يك قران +

ب گوشتدراسی صددینار

پیشنهاد آقای میرزا شهاب - بنده قسمت (ج) را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد می نمایم +

(ج) - قیمت حقیقی سرم وواکن در مواقعی است که عمل تزریق را مأمورین وزارت قواوندنامه انجام نداده و فقط بفرش آن اقدام بنمایند

پیشنهاد آقای فرمند بنده پیشنهاد می کنم کاری بکفران و گوسفندی شاهمی گرفته شود

پیشنهاد آقای طهرانی - این بنده در فقره الف و ب پیشنهاد می نمایم پس از تزریق گاو گوسفندان اضافه شود نیز پس از گوسفند بر اضافه شود

پیشنهاد آقای تجمد - بنده پیشنهاد می کنم که ماده دوم بطریق ذیل تنظیم شود +

ماده دوم وزارت مالیه مجاز است که بیست هزار تومان از بابت اعتبار مخارج انتقاهی برای توسعه شعب دفع آفات حیوانی و وزارت قواوندنامه تأریه نماید

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب - مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد میکنم وجوه مأخوذه ازواکنس گاو بکفران و گوسفند صد دینار و در قسمت سوم عوض کلمه قیمت حقیقی نوشته شود قیمت درواکنس گاو ده شاهی و گوسفند یک شاهی

ایضا پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - در ماده اول پیشنهاد میکنم کلمه حق - الزحمه حذف شود

پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم تبصره ماده دوم حذف شود

پیشنهاد آقای اسدی و محمدولی میرزا اصلاح ما اول را بشرح ذیل پیشنهاد می کنم

ماده اول - چون در قانون میزی در ماده ۷ يك عشر از کلیه حوائط مالیات و احتشام اختصاص بامور صحتیه و دفع آفات حیوانی داده شده است بطور موقت نامت بکمال حق الزحمه تزریق بشرح ذیل دریافت شود

از هر گاو فردی يك قران و از هر گوسفند رأسی سه شاهی

پیشنهاد آقای دکتر امیرخان اعلم - بنده پیشنهاد می کنم مادام که مرضی بعالیت استیلاء است و همویت دارد تزریق اجباری و مجانی باشد

پیشنهاد آقای سهراب زاده - بنده پیشنهاد می کنم تبصره از آخر این لایحه حذف شود

پیشنهاد آقای عدل - پیشنهاد می کنم در ماده دو قسمت الف نوشته شود حق الزحمه تزریق سرم گاو از قرار رأسی دو قران در قسمت (ب) حق الزحمه سرم گوسفند از قرار رأسی پنج شاهی تبصره تزریق واکسن عموماً مجانی است

پیشنهاد آقای زعیم - بنده پیشنهاد میکنم واکنس راجعانی و اجباری فرار بدهند سرم را به قیمت که تمام می شود برای اطباء معلول و لایساز بقصد که هر کس برای معالجه گاو خود مطالب بیشتری شد بخربازی و تزریق کند

رئیس - مقرر کرد در ماده دیگر اگر آقایان موافقت نمایند برای بعد از تفصیل بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای زاهدی هم ارجاع میشود بکمیسیون

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل پس از يك ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

قبل وزارت معارف - لایحه ایست راجع ب استخدام یک نفر معلم نجاری از آلمان که تقسیم مجلس شورای ملی می کند و ضمناً عرض می کنم که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است که مدرسه صنعتی امسال با وجود نبودن لوازم کار و تأخیر تصویب بودجه معدنک بابک زحمانی دائر شده است

و معدن در آنجا مشغول تحصیل و معلمین هم مشغول تدریس هستند

لذا تقاضا میکنم که زودتر از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد که معلمین هم با فراغت مال بتوانند کار خودشانرا انجام دهند

بعضی از نمایندگان - فوریتش را تقاضا می کنیم

سلطانی - مطالب معلوم است چون آخر دوره است البته آقایان هم موافقت خواهند کرد که يك روز بر عهده جلسات مجلس افزوده شود

رئیس - پیشنهاد دیگری هم بمضافه ۷ نفر از آقایان نمایندگان در همین زمینه رسیده است + آقای آقاسید یعقوب +

آقاسید یعقوب - بنده در این مورد محل جمله آقایان می شوم ولیکن با ترس ندارم و هریض خودم را میکنم

خوب است عوض اینکه يك روز بر جلسات افزوده شود آقایان در کمیسیونها حاضر شوند!! مثل کمیسیون هدلیه که ۳ ساعت بفرورب

باید تشکیل شود تازه اول فرورب هم باز بهزت آن فرارش و تلفون حاضر نمی شود که بیایند بنشینند و لواجعی که در کمیسیون هست بگذرانند +

(همه نمایندگان) به بنده حمله نکنید اصل کار مجلس را کمیسیونها می کنند + مادر کمیسیونها کار نمی کنیم آقوات پیشنهاد می کنند جلسات مجلس زیاد شود +

یروز بود که ما کاری در دستور نداشتیم!! بیاییم مجلس چه کنیم + آقایان مجلس يك صورتی را می گذرانند بنده عرض میکنم که آقایان این جدیت را در کمیسیونها بگیرند بهتر است این است که بنده توجه می دهم آقایان را

با این مطلب که در کمیسیونها حاضر شوند و کار ما را تمام کنند +

رئیس - آقای رهنما (اجازه) رهنما - بنده موافقم عرض میکنم که در این قسمت آقای آقاسید یعقوب نظرشان صحیح است که بایستی کمیسیونها گسترش یافته و خلاصه کار ما هم باید در مجلس تمام شود +

رئیس - پیشنهاد آقای تجمد +

تجمد - پس عرض ندارم رئیس - رأی گرفته میشود بفرود در شور تانی آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شد آقای سهراب - زاده پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

(پیشنهاد مزبور به این مضمون قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

رئیس - آقای سلطانی و قرمند پیشنهادی کرده اند راجع به عده جلسات که قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که روزهای شنبه بر جلسات مجلس افزوده شود

رئیس - آقای سلطانی توضیح بدهید

سلطانی - مطالب معلوم است چون آخر دوره است البته آقایان هم موافقت خواهند کرد که يك روز بر عهده جلسات مجلس افزوده شود

رئیس - پیشنهاد دیگری هم بمضافه ۷ نفر از آقایان نمایندگان در همین زمینه رسیده است + آقای آقاسید یعقوب +

آقاسید یعقوب - بنده در این مورد محل جمله آقایان می شوم ولیکن با ترس ندارم و هریض خودم را میکنم

خوب است عوض اینکه يك روز بر جلسات افزوده شود آقایان در کمیسیونها حاضر شوند!! مثل کمیسیون هدلیه که ۳ ساعت بفرورب

رئیس - تصویب نشد + جلسه آینه روز یکشنبه ۳ ساعت ونیم قبل از ظهر دستور هم همین دستور امروز +

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی سید محمدتدین

منشی م شهاب منشی علی خطیبی جلسه ۴۴۴

صورت مشروح مجلس یکشنبه ششم دی ماه هزار و سیصد و چهار مطابق یازدهم جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهار

مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای طباطبائی دبیرانایب رئیس تشکیل گردید

(فهرست مجلس پنجشنبه سوم دی ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای شوشتری آقاسید محمد علی شوشتری - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای یاسانی - قبل از دستور عرض دارم

حاج سید عبدالوهاب رضوی - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای دستغیب دستغیب - بنده در دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای کازرونی کازرونی - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای طاهری طاهری - دو جلسه است که در صورت مجلس بنده راجعو دبر آمدگان بی اجازه می نویسند و صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم

نایب رئیس - اصلاح میشود + در صورت مجلس اعتراضی نیست + بعضی از نمایندگان خیر

نایب رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک در یکی دو جلسه قبل حضرت آقای شیروانی نماینده محترم راجع باستقرار شهر به او مستمرات بطور عمومی يك نظر مخالفت آمیزی اظهار داشتند و متأسفانه این نظر مصادف شد با لایحه تقدیمی دولت راجع ببیرز صادق خان و کیلی و یقین دارم که آقای شیروانی بهداز تحقیق قضیه قانع شدند که در این موضوع اگر از طرف دولت يك اظهار مساعدتی شده است خیلی حسن مورد داشته و خدمات ایشان کاملاً محل توجه واقع شده است

عجالت چیزی که میخواستم عرض کنم این بود که تذکر بدهم - - - آقایان برسانم این بود که تذکر بدهم - - - هیئت دولت و امیدوارم آقایان و کلا در این فکر بمانند مساعدت کنند مخصوصاً آقای شیروانی هم یقین دارم علاقمند خواهند بود با این پیشنهاد

تذکری که میخواهم بدهم راجع است بهائله ستم دیده نظامیان دایری که در خاک بختیاری در گردنه شلیل گرفتار شدند بکیفیتی که مستحضر هستید اگر رعایت حالی از آنها نشده است خیلی متقاضی است يك پیشنهادی از طرف دولت راجع بر رعایت عائله آنها بشود تا سایر نظامیهها بمانند در موافق بدبختی عائله آنها طعمه فقر و فلاکت نباشند +

نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه) آقاسید محمد علی شوشتری - چندی است در نظر گرفته بودم که بعضی عراض لازم را راجع باستقرار وادو صحرای ترا که عرض بدارم ولی موقع نیتشدم البته حالا که موفق شدهام آقایان اجازه میدهند که تا یکدر چه وقت آقایان را گرفته و عرض بدارم و از مجلس شورای ملی تقاضا میکنم که این چند تقاضای بنده را بمسئول محترم و ادارات مربوطه یعنی وزارت خانه های مربوطه تذکر بدهند که انجام دهند +

اول يك تخفیف مالیاتی است که تقاضا میکنم + + + یک نفر از نمایندگان - مطالبه نمی کنند شوشتری - چرا مطالبه می کنند بعنوان املاک خالصه انتقالی باینکه با اهالی استر آباد مخصوصاً نسبت بیک عده بواسطه پیش آمد دما قبل صحرای ترا که خساراتی وارد شده که اگر باین خسارات قدری مھطف توجه بشود مورد پیدا میکنند که دولت هر گونه مساعدت با آن خسارت دیدگان بیچاره بکنند مثل آقای آقا میرزا محمد مهدی مجتهد معروف استر آبادی که از بیست و دو سال قبل تنها کسیکه مانع و راجع غارتگریها بود وجود ایشان بود و برای آسایش اهالی آن صفتحه و مسافرتین و زوار حضرت تامن الاثمه ایشان بوده اند +

دوات هم این مسئله را تصدیق میکنند و شخص اعلیحضرت همایونی هم که شاید در موارد مختلفه ایشان مراجعانی فرموده اند تصدیق میفرمایند + هم اعلیحضرت و هم وزارت جنگ این مسئله را تصدیق می کنند +

دعا ایشان را آنرا که آتش زده اندو اخیراً هم این سید محترم بنام خالصه انتقالی فشار آورده اند و حال آنکه کلیه بقی دست شده اند

میخواستم از ریاست محترم ریاست شورای ملی استعفا کنم که در این موضوع تذکری بدولت بدهم که مھطف توجهی در این باب فرمایند + ثانیاً يك تذکره ایست بساحت مقدس اعلیحضرت و مجلس شورای ملی از استر آباد رسیده و حاکی از اینست که وزارت اوقاف در این موقع سختی و قسطنی فشار آورده و از بابت چهار سال مصالحه نیمه شرعیه امانت میکنند

حالا این نیمه عشر اوقاف قانونی است یا قانونی نیست با به چه صورتی بخود خواهد گرفت بنده کاری ندارم البته نمیدانم تکلیفش با مجلس شورای ملی است ولی بنده میخواستم تمنا کنم که تذکری به دولت داده شود که نیمه عشر را در این موقع مطالبه نکنند +

ولی مسئله که خیلی مهم است و تهران را از قسطنی بیرون بیاورد و آذوقه استر آباد را تأمین میکنند و صحرای ترا که مانع از حرکت استر آباد است که حکومت داشته و میدانند + آقای باسانی هم شاید اطلاع داشته باشند خرجش هم چهل هزار تومان است که سه رود گرگان را ببندند و اگر این سد بسته شود آب بالا بیاید خیلی فیداست و این کار بیش از سی و پنج شش هزار تومان هم خرج ندارد

وضعیت جغرافیائی صحرای ترا که و قدرت ارضی آنجا طوریست که اگر این آب بالا بیاید صحرای ترا که بقدری استمداد قلمتی دارد (دولت هم این مسئله را تصدیق دارد) که در نتیجه طهران را از بیم سن زدگی و ملخ خاکی و قسطنی بی آبی و سایر آفات نجات خواهد داد

اهالی برای تسلیح راهها يك پولی داده اند و الا ان هم تا یکدر چه راه فرابرد شده و موتور می تواند به آنجا برود ولی فقط سه رخ فرسخ باقیست که باید درست شود و موقعیت صحرای ترا که منطور است که تقاضای دولت عمل میکنند +

(همه بخندند نمایندگان) شوشتری - اغراق و مهاله تصور نشود (همه بخندند نمایندگان)

شوشتری - بنده مشهورات خودم را عرض میکنم +

باز هم این مسئله را تصدیق میکنند و شخص اعلیحضرت همایونی هم که شاید در موارد مختلفه ایشان مراجعانی فرموده اند تصدیق میفرمایند + هم اعلیحضرت و هم وزارت جنگ این مسئله را تصدیق می کنند +

دعا ایشان را آنرا که آتش زده اندو اخیراً هم این سید محترم بنام خالصه انتقالی فشار آورده اند و حال آنکه کلیه بقی دست شده اند

میخواستم از ریاست محترم ریاست شورای ملی استعفا کنم که در این موضوع تذکری بدولت بدهم که مھطف توجهی در این باب فرمایند + ثانیاً يك تذکره ایست بساحت مقدس اعلیحضرت و مجلس شورای ملی از استر آباد رسیده و حاکی از اینست که وزارت اوقاف در این موقع سختی و قسطنی فشار آورده و از بابت چهار سال مصالحه نیمه شرعیه امانت میکنند

حالا این نیمه عشر اوقاف قانونی است یا قانونی نیست با به چه صورتی بخود خواهد گرفت بنده کاری ندارم البته نمیدانم تکلیفش با مجلس شورای ملی است ولی بنده میخواستم تمنا کنم که تذکری به دولت داده شود که نیمه عشر را در این موقع مطالبه نکنند +

ولی مسئله که خیلی مهم است و تهران را از قسطنی بیرون بیاورد و آذوقه استر آباد را تأمین میکنند و صحرای ترا که مانع از حرکت استر آباد است که حکومت داشته و میدانند + آقای باسانی هم شاید اطلاع داشته باشند خرجش هم چهل هزار تومان است که سه رود گرگان را ببندند و اگر این سد بسته شود آب بالا بیاید خیلی فیداست و این کار بیش از سی و پنج شش هزار تومان هم خرج ندارد

وضعیت جغرافیائی صحرای ترا که و قدرت ارضی آنجا طوریست که اگر این آب بالا بیاید صحرای ترا که بقدری استمداد قلمتی دارد (دولت هم این مسئله را تصدیق دارد) که در نتیجه طهران را از بیم سن زدگی و ملخ خاکی و قسطنی بی آبی و سایر آفات نجات خواهد داد

اهالی برای تسلیح راهها يك پولی داده اند و الا ان هم تا یکدر چه راه فرابرد شده و موتور می تواند به آنجا برود ولی فقط سه رخ فرسخ باقیست که باید درست شود و موقعیت صحرای ترا که منطور است که تقاضای دولت عمل میکنند +

(همه نمایندگان - صدای زنگ تایب رئیس)

(همه نمایندگان) شوشتری - آقایان استعجاب نکنند اینها يك چیز هائیکه بنده میدهم خدا میداند اینطور است

آقایانی که رفته و دیده اند میدانند که این طور است وضعیت آنجا طوریست که يك خروار بذر میکارند و بعد نهصد خروار حاصل بر میدارند اینها مشهورات من است بنده آنجا جزیره الخضراء واقعهش میدانم

(همه بین نمایندگان - صدای زنگ) شوشتری - حالا هر چه آقایان می خواهند همه بکنند اگر کسی چیزی را ندیده باشد تصویر ندارد بنده استعفا می کنم که آقایان توجه فرمایند این قسمت از ایران حقیقه از حیث صحیح و معارف بی بهره بوده اند گویا دولتهای سابق آنجا هزار اجزا ایران نمیدانستند +

اخیراً وضعیت استر آباد طوری شده است که (بطوری که شکایت کرده اند) که اگر عطف توجهی نسبت به آنها نشود رفع این خسارات و سدمات وارد بر آن ها نشود به کلی از بین خواهند رفت +

بنظر بنده اگر چنانچه مھطف توجهی نسبت به آنها بشود خیلی بهبود است این چند فقره را خواستم بساحت محترم آقایان عرض کنم و استعفا کنم که فکری فرمایند شاید اسباب رفاهیت آن ها فراهم شود

جمع از نمایندگان - دستور نایب رئیس آقای دستغیب در دستور فرمایشی دارید؟ دست غیب بلی

نایب رئیس - فرمایند دست غیب - تقریباً از دو بیست و شش سال از دو جلسه دیگر بیشتر به آخر دوره مجلس باقی نیست + راست است که لوایح مهم خیلی داریم

ولی بقیه بنده قانون استخدام مستخدمین مجلس که بالنسبه و تقریباً در درجه اول از اهمیت یا در درجه دوم است باید جزء دستور شود چون قانون استخدام مستخدمین مجلس را برایش از کمیسیون گذشته شوراولش هم شده است تقاضای کمی آقایان آنرا جزء دستور فرمایند که ناچار بعضی از موادش هم بر میگردند بکمیسیون ومدتی طول خواهد کشید و اگر چنانچه روزی هم رفته این قانون تصویب نشود کانه يك حالت بلاتکلیفی برای مستخدمین مجلس تولید میشود

این است که بنده تقاضای کمی قانون استخدام مستخدمین مجلس جزء دستور شود و مخصوصاً عقیده شخصی بنده این است که

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - در ماده اول پیشنهاد میکنم کلمه حق - الزحمه حذف شود

پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد می کنم تبصره ماده دوم حذف شود

پیشنهاد آقای اسدی و محمدولی میرزا اصلاح ما اول را بشرح ذیل پیشنهاد می کنم

ماده اول - چون در قانون میزی در ماده ۷ يك عشر از کلیه حوائط مالیات و احتشام اختصاص بامور صحتیه و دفع آفات حیوانی داده شده است بطور موقت نامت بکمال حق الزحمه تزریق بشرح ذیل دریافت شود

از هر گاو فردی يك قران و از هر گوسفند رأسی سه شاهی

رئیس - میخواستم تذکر بدهم که این لایحه دو شور دارد بنابراین ممکن است نظریه آقایان تأمین شود. رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

امروز جزه دستور شود برای خاطر اینکه شورو در پیش هم تمام شود اگر بعضی از موادش را جمع بکسبون بشود باز برگردد به مجلس کتا مجلس تا نمانده این قانون تمام شود

نایب رئیس - بنویسد پیشهاد کنید چند نفره خبر از کسببون مرخصی رسیده است قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

آقای میرزا اسمعیل خان وکیل نماینده محترم نظر بطول کسالتی که دارند تقاضای پانزده روز اجازت فرمودند

کسببون تقاضای ایشان را تصویب می نماید که از تاریخ ۲۹ آذرماه الی پانزده روز غائب باشد

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانی که موافقت با خبر کسببون مرخصی و مرخصی قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

(خبر دیگر راجع برخصی بیست روزه آقای ناصر نمدامانی این طور خوانده شد)

نماینده محترم آقای ناصر نمدامانی کتباً مراجعه باین کسببون فرموده و تقاضای ۲۰ روز مرخصی فرموده اند کسببون مرخصی از روزا نظر بکسالتی که نماینده محترم دارند برای بیست روز از تاریخ ۲۶ آذرماه تصویب می نماید

نایب رئیس - رأی می گیریم آقایانی که با خبر کسببون مرخصی موافقت قیام نمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

(ایشاً خبر کسببون راجع برخصی آقای بهار بعضون ذیل خوانده شد)

آقای بهار نماینده محترم در ۱۲ آبان ماه تقاضای دوماه مرخصی برای حرکت بیاد کو به و معالجه فرموده بودند نظر باینکه آخر دوره تقنینیه است و تقاضای آقای بهار هم از روز حرکت بنا بر این کسببون مرخصی ایشان را از روز حرکت الی يك ماه تصویب می نماید

نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانی که با این دایره موافقت قیام نمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد

خبر دیگر (باین مضمون قرائت شد)

آقای شاهرخ نماینده محترم نظر به کسالت خانواده خود و اجباریکه برای رفتن تا بندر بیلوی برای ایشان پیش آمده بود تقاضای نه روز مرخصی کرده بودند کسببون هم در این باره موافقت دانسته از

تاریخ ۲۶ آذرالی سیم دیماه مرخصی ایشان را تصویب می نماید

نایب رئیس - آقایانی که موافقت با مرخصی آقای شاهرخ قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد پیشهاد آقای دستغیب قرائت می شود (اینطور خوانده شد)

بنده پیشهاد می کنم قانون استخدام مستخدمین مجلس جزء دستور امروز شود تصویب

نایب رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - این لایحه دیون دولتی مدتی است که جزء دستور است در سال هم هست این بچاره اینجا معطل اند بنده عقیده ام اینست که این لایحه امروز تمام شود بعد قانون استخدام مستخدمین مجلس جزء دستور شود

نایب رئیس - آقای ضیاء موافقت فرمایند

ضیاء - بله بنده موافقت هستم برای گرفته شود

نایب رئیس - رأی می گیریم آقایانی که با پیشهاد آقای دست غیب موافقت قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشهادی از آقای اخگر راجع بدستور رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشهاد میکنم خبر کسببون مبتكرات راجع بطبع فرهنگ آزاد امروز در درجه اول جزء دستور شود

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخرگر - آقای میرزا ابوالقاسم خان آزاد مرافه بیست و پنجسال زحمات گذشته و این فرهنگ را نوشته اند و پیشهاد کرده اند و چندین مرتبه بکسببون های مختلفه مبتكرات مراجعه شده و عملاً از کسببون مبتكرات گذشته که اجازه داده شود در مطبعه مجلس طبع خود و بعد از اینکه مطبعه مجلس مخارج طبع را از فروشش برداشت سابقش را بشمار حق التالیف بدهند بؤايف آن

این فقط بنده عقیده معطلی دارم برای اینکه آقایان به بنده این پیشهاد قابل توجه است یا نیست و بیش از بنده عقیده معطلی ندارد

این است که بنده تقاضای قیام اجازه فرمایید جزء دستور بشود و هیهت در معلوم شود که قابل توجه است یا نه و يك رأی به قیام و بعد هم بیشتر لازم ندارد

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - در این موضوع عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - آقایان در این موضوع عرضی ندارم

نایب رئیس - رأی می گیریم (اجازه)

رضوی - بنده عرض میکنم دستور معین است و دیگر نباید ما در اول هر جلسه راجع بدستور پیشهاد بکنیم

لایحه دیون دولتی جزء دستور بود و اینها هم دوسال است معطل هستند یا باید جوابشان را داد و یا اینکه تکلیفشان را معین کرد و دیگر دو ساعت در باب اینکه چه جزء دستور بشود صحبت کردن لزومی ندارد جز اسباب زحمت شدن

این است که بنده عقیده ام این است که هیچ نباید دستور را تغییر داد و باید همان دستور اولیه باشد

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشهاد آقای اخگر - آقایان موافقت قیام فرمایند

(عده قیام قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشهاد دیگری راجع بدستور رسیده است خوانده می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشهاد میکنم شوره دوم لایحه کسببون فوائد عامه راجع به صارت اصلی السوس جزو دستور شود

(بقیوب الموسوی)

نایب رئیس - آقای آقا سید بقیوب (اجازه)

آقا سید بقیوب - البته نظر آقایان متوجه هست باینکه مجلس اساساً برای يك کارهایی است که برای مملکت نافع باشد از قبیل استکشاف معادن و کثرت امتیاز دادن به تبعه خارجه که يك منفی برای مملکت داشته باشد

این لایحه از کسببون فوائد عامه راپورتش داده شده است و مخصوصاً بنده از آقای مغبتر تقاضا کردم که راپورتش را زودتر حاضر کنند و ایشان هم بدیت کردند و راپورتش را داده اند و الان هم حاضر است و این لایحه مدتی است بلا تکلیف مانده این است که بنده پیشهاد کردم جزء دستور بشود

نایب رئیس - رأی میگیریم

کازرونی - بنده مخالفم رئیس - فرمایند

کازرونی - بنده اصولاً با پیشهاد آقای پواقتم ولی می خواهم با يك اصل بی اساسی مخالفت کرده باشم و آن اصل بی اساس این است که معایب مقررات معموله و جاریه دستور هر جلسه باید در جلسه قبل معین شود و شاید نمایندگان محترم هم مطالبات خودشان را راجع بدستور معین کرده اند حالاً بختاً و ناگهانی يك چیزی جزو دستور بشود که نه لایحه اش حاضر است و آقایان مطالعه کرده اند صلاح نیست زیرا آنوقت يك قانون غیر طبیعی از مجلس میگذرد این است که بنده معتقدم راجع

استخراج نموده نتیجه بشرح آئی جاصل گردید

مهره تقنینیه ۸۹

اوراق رأی ۸۹

آقای انسر ۴۱ رأی

آقای زهنما ۲۱ رأی

آقای حکمت ۵ رأی

آقای مفتی ۱ رأی

آقای رضوی ۱ رأی

آقای دست غیب ۱ رأی

ورقه سفید علامت امتناع ۸

ورقه لایقره ۱

نایب رئیس - عده حضار هشناد و نه

آقای انسر با کثرت نسبی چهل و يك رأی انتخاب شدند اگر آقایان اجازه بفرمایند جلسه ختم شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

معاون وزارت مالیه - يك فقره لایحه است برای افسر مخارج راه آهن چلفانی تبریز و دریاچه ارومیه نسبت به خارجی که وزارت فوائد عامه دو سال گذشته در بودجه خرج خودش پیش بینی کرده بود

یعنی وزارت فوائد عامه صد هفتاد هزار تومان برای این کار پیش بینی کرده ولی بعد معلوم شد که تا آخر سال بودجه هزار و نصد و هجده تومان علاوه خرج شده است

البته عایداتش هم به همین نسبت زیاد بوده است ولی در هر صورت چون این خرج اضافه تصویب نشده بود است از این جهت این لایحه را تقدیم می کنیم

يك فقره لایحه هم راجع به حقوق ورثه مرحوم میرزا سید علی خان است که از مستخدمین قدیمی وزارت داخله است و تقدیم میشود

نایب رئیس - رجوع میشود بکسبون مربوطه

انتخاب یک نفر نایب رئیس که اکثریت حاصل نشد تجدید میشود (اختیار به عمل آمد)

نایب رئیس - آقایان نظار تشریف بیاورند

(استخراج آراء به عمل آمده نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد)

مهره تقنینیه ۹۰

اوراق رأی ۹۰

آقای انسر ۲۸ رأی

آقای زهنما ۲۷ رأی

آقای حکمت ۲۲ رأی

آقای سهراب زاده ۱ رأی

آقای مفتی ۱ رأی

ورقه سفید علامت امتناع ۱۲

نایب رئیس - اکثریت حاصل نشد تجدید میشود این مرتبه اکثریت نسبی است

(اختیار به عمل آمد)

نایب رئیس - اخت آراء تمام شد شروع میشود با استخراج (آقایان مستخرجین آراء معاً کوررا

(سودت مجلس یکشنبه ششم دی ماه را آقایان آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج آقا رضارفع (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - در چند ماه قبل بر حسب پیشهاد وزارت فوائد عامه يك تصویب نامه در هیئت وزراء تصویب شده و فرستاده شده است بوزارت مالیه و از طرف وزارت مالیه بکلیان فرستاده شده است اساساً راجع بچنگلها يك تصمیمی گرفته شده ولی باید فرق گذاشت بین املاک مردم و چنگل

کلیان همش چنگل است و بالاخره زراعت مردم در بعضی جاها واقع است که دارای چند درخت است ولی این چنگل نیست چنگل عبارت از يك چیز علیحده است بکجا گائی که شجر است اسم دیگر دارد

اساساً اگر قطع درخت در کلیان ممنوع باشد بکلی زراعت کلیان باید از دست برود و هیچ مردم نمی تواند زراعت بکنند

برای اینکه نام خانه های رعیتی همه سال يك درختی میروید با صامی مختلف توله اسیر وراثت که برای تلبار و غیره مجبورند این درختها را بکنند و حوائج خود را انجام بدهند به موجب این تصویب نامه رعیت کلیان باید شش فرسخ راه بیاید تا از مالیه اجازه بگیرد برای قطع یک درختی که دو فرسخ فیتش است باید دو تومان خرج کند و بیاید خبر بدهد و برود يك درخت بکند این بکلی غیر عملی است

در این زمینه يك عریضه هم از طرف علمای کلیان و عموم مردم ملائین رسیده است اساساً در کلیان به دستمندان ملک هستند و تمام تقرای کلیان هم يك خورده ملک دارند

در این خصوص خواستند استصفا کنیم که بوزارت فوائد عامه تذکره داده شود که بمالیه امر بدهند این تصویب نامه فعلاً بلا اجرا بماند تا دو باره در این خصوص مطالعه بشود

بعضی از نمایندگان - صحیح است رئیس - آقای دستر محمد خان مصدق

(اجازه)

(آقای وزیر فوائد عامه برای نطق از صندلی خود حرکت نمودند)

رئیس - خطاب به آقای دستر محمد خان مصدق (فرمایند میخواهند جواب بدهند)

وزیر فوائد عامه - البته هم بطوریکه فرمودند این يك مسئله است که روی هر مرتبه ممکن است يك رحمت زیادی برای مردم تولید بکنند

و همینطور بوزارتخانه هم شکایت رسیده است و تذکره که آقا دادند بنده میدانم ولی نمی خود یوزارت مالیه نوشت که تصویب نامه موقوف اجرا شود ولی در صدد هستیم کدر فاصله همین چهار روزه این مسئله را مطالعه کنیم و از طرف وزارت مالیه يك پیشنهادی بهیئت وزراء بشود که اگر زحمانی برای مردم تولید کرده است آن زحمتها رفع شود

حاج آقا رضارفع - بنده آسودگی مردم را می خواهم بهر ترتیب بشود حاضر مردم - این مسئله قانون می خواهد یا تصویب نامه نشود

رئیس آقای دستر محمد خان مصدق

دکتر محمدخان مصدق - بنده میوه وام -
از آقایانی که در ادوار تقنینیه مجلس
سمت نمایندگی داشته اند (اگر چه مقصود
بنده اینجا سؤال نیست که آقایان بفرمایند
سؤال نماینده از نماینده منوع است)
مقصود استساری است از آقایانی که
در ادوار تقنینیه بوده اند که اخلاق سیاسی
نمایندگان ادوار تقنینیه اول و دوم و سوم
و چهارم و پنجم کدام یک را بپذیرد دانستند
یعنی بالاخره نسبتاً اخلاق سیاسی و سکالا
در ادوار تقنینیه اول و دوم بهتر بود یا
ادوار بعد

(بعضی گفتند اول و دوم)
بعضی از نمایندگان - دور پنجم
(همه هم نمایندگان - صدای رنگ
رئیس)

دکتر محمدخان مصدق - بنده شخصی
نمونه میگویم که دوره تقنینیه اول و دوم
بشتر بوده است . دوره اول تقنینیه دوره
بود که قانون اساسی را از یک شخص
محمد علی میرزایی که هیچ معتمد بقانون
نیود گرفت دوره دوم هم دوره بود که
با یک الیتا تو می مقاومت کرد

آقا سید یعقوب - تصدیق کرد
مصدق - خیر تصدیق نکرد . بنده
شخصاً عقیده خودم این است که ادوار
اولیه بهتر بوده برای اینکه شجاعت سیاسی
و دلا بیشتر بوده . انگاه بنفشان بیشتر
بوده . صمیمیتشان و علاقه مندیشان بملک
بیشتر بوده

(صدای رنگ رئیس)
رئیس - بنده اجازه نمیدهم مقایسه
بین این مجلس با مجالس گذشته بشود .
مصدق - بنده این مجلس را عرض
نکردم .

رئیس - همین که فرمودید مجلس اول
و دوم بهتر بوده مقایسه است . مقایسه اینجا
مورد ندارد اگر میخواهید در این موضوع
صحبت کنید اجازه نمیدهم مطلب دیگر اگر
دارید بفرمایید .

مصدق - يك چیزهای دیگری می
خواهم عرض کنم .
رئیس - بفرمایید

مصدق - دلیل این عرایض این است که
در دوره اول و دوم انتخابات بنظر بنده
آزاد بود و بواسطه آزادی انتخابات در
مملکت يك احزاب بود و این مسئله بنظر
بنده گمان میکنم از دو چیز بود یکی از
قانون انتخاباتی بود که ما داشتیم و یکی از
مجریان قانون . قانون انتخابات در دوره
سوم تغییر کرد .

نتیجه اش این شد که انتخابات مستقیم
شد وطوری شد که در حقیقت انتخابات
بصورت و درجه معکوس درآمد یعنی اگر
در اروپا انتخابات را دو درجه میکنند و
اول ملت يك اشخاصی را مین میکنند که

بعد از آن اشخاص از بین خودشان
يك اشخاصی را انتخاب کنند بواسطه اینکه
قانون انتخابات مستقیم بود و تفکیک
حوزه های شهر از بلوکات نشده بود انتخابات
بصورت دودرجه درآمد این ترتیب که
اشخاص منتقد يك اشخاصی را در نظر
میگرفتند و آنوقت ملت آنها را انتخاب
میگرد .

این نتیجه قانون انتخابات بود علاوه
این قانونرا مجریان قانون درست ب موقع
اجرا نکذاشتند .

یعنی در این وظیفه آن طوری که
میبایست اقدام کنند نکردند . البته در
نظر جماعتی که معتقد بود و عقیده داشتند
يك چیز را (یعنی نیکو مقصود را)
يك مقدماتی را هم واجب میدانند .
البته وقتی که ذی مقدمه واجب شد
مقدمه هم واجب میشود بقول یکی از فلاسفه
اروپائی (که ما کباول مورخ ایرانی باشی)
میگوید نتیجه مصریح و سببه است .

اگر انسان يك چیزی را در نظر بگیرد
که لازم باشد باید مقدمه را هم برای نیک
بمقصود لازم بشمارد ولی المحدثه آنچه است
که مقصودی را در نظر داشتند و بمقصود
رسیدند دیگر بنده حالا تصور نمیکنم لازم
بدانند وضیعت پیش در مملکت همانطور
ادامه داشته باشد .

یعنی از فلاسفه اروپائی (که اگر بنده
اشتیاه میکنم شاید روس باشند) میگوید
فانحن حقینی آهنائی هستند که قانون طلبند .
دیگران مثل سلیهائی هستند که در گذردند .
الملک یقی بالمعدل
مکننرا نمایندگان - یقی
مصدق - بله یقی بالمعدل . کلام -
المولک ملوک الملک . بنده خیلی مشتکرم
از اینکه از یک زبان علاقه مند و از یک لسان
شرافتمندی در همین مجلس این جمله از
اساسی و مهم قانون اساسی که من قرائت
میکنم جاری شد .

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته
بکلام الله مجید و بآنچه نزد خدا . محترم
است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را
مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود
مملکت و حقوق ملت را محفوظ و معروس
ندارم قانون اساسی مشروطیت ایران
را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر
سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری
انتنی عسری سعی و کوشش نمایم و در تمام
اعمال و افعال خداوند متعال را حاضر و
ناظر دانسته منظوری جز مادت و عظمت
دولت و ملت ایران نداشته باشم و خداوند
متعال در خدمت ترقی ایران توفیق می طلبد
و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد
میکنم .

بنده باز خیلی خوشوقت کم اهضای
دولت هر کدام فرآورد در این مجلس
بوجوب اصل یازدهم قانون اساسی قسم یاد

کرده اند . مرق ملت خیانت نکنند . بنده
امیدوار هستم که این اصول قانون اساسی
کاملاً بموقع اجرا گذاشته شود .
البته آقایان تصور نمی کنند که بنده
میخواهم باین وسیله يك سنگ نهائی بنده از
بنده یقین دارم که انتخابات آزاد باشد یا
آزاد هم نباشد يك اکثریت بزرگی از
هین آقایان در نتیجه هر قسم انتخاباتی انتخاب
خواهند شد

ولی بنده معتقد هستم که وکلای ملت
همیشه مستاجر ملت باشند یعنی آنرا هم
خودشان از ملت بگیری و از ملت
بخواهند

جمعی از نمایندگان - دستور
رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد
راجع دستور کرده اند
(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم لایحه راجع به صاره
اصل السوس در درجه اول دستور قرار
داده شود .

آقا سید یعقوب - بنده ادله آنرا در روز
عرض کردم غالب آقایان هم توجه فرمودند
این را هم عرض کردم و مجلس هم متوجه
پاین مسئله هست . در ادوار سابقه يك
توجه نامی در مجلس بود که امتیازات بقدر
امکان بقیه داخله داده شود یعنی امتیازات
و انتصارات هر چیزی که هست بقدر امکان
بقیه داخله داده شود و آنها را وا داریم
بکار و حقیقه اساس مجلس شورای ملی
برای اینطور چیزها است .
ولی بنده اشتهاً خارج گفته ام و
حالا خواستم اصلاح بکنم . این امتیاز در
دوره چهارم مجلس آمده است . در دوره
پنجم شور او نش تمام شد و مدتی است
شور دوش مانده است مخبرم خبرش را
داده است و گمان نمیکنم اشکالی داشته
باشد تا قبل از تنفس هم تمام خواهد شد
و منافع با آن چیزهای دیگر هم ندارد .
خوب است آقای فائز مقام هم موافقت
کنند .

بعضی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - آقای عدل
(اجازه)
میرزا یوسف خان عدل - بنده اساساً
با این امتیاز موافقم ولی با این پیشنهاد
مخالفم . آنهم غلظتی نیست که این آقایانی
که از دولت طلب دارند الان مدتی است
در مجلس هستند این آقایانی هم که پیشنهاد
میفرمایند و آن آقایانی هم که صحیح است
میفرمایند همه شان از در صحن حیاط طلبکارها
جلو آنها را گرفته اند همه هم بآنها گفته اند که
ما برای شما خدمت خواهیم کرد .

ایسین لایحه می از این همه
زحمت آمده است بمجلس هی اتصالا
پیشنهاد داده می شود که این مسئله عقب
نیفتد !!

رب السوس خیلی لازم است ولی ما

زیادتر از چهارده بانزده جلسه دیگر
نداریم ما باید تلاش کنیم آن لوابیعی که
مهم تر است و بکار مردم بیشتر میخورد آنها
را جلو بکشیم .

اجازه بفرماید این قانون بگذرد پس از
آن لایحه رب السوس هم بیاید . این اشخاص
تا کی باید اینجا باشند؟ خودتان ملاحظه
بفرمایید ! مجلس هم تمام میشود باز میماند برای
مجلس دوره ششم !!

رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای
آقا سید یعقوب . آقایان موافقت قیام
بفرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . خبر کبسون
فوائد نامه راجع بامتیاز عصاره سوس
مطرح است . ماده اول قرائت میشود .
(بشرح آتی قرائت شد)
ماده اول - دولت ایران امتیاز انحصاری
تأسیس کارخانهای عصاره گیری از گیاه
موسوم بسوس Reqlisse را در ایالات
شمال و غربی و جنوبی ایران به آقای حدثلی خان
هدایت و هرت الله خان هدایت که هر دو تبه مسلم
ایران هستند و در این قرارداد بنام
صاحبان امتیاز مذکور می شوند واگذار
مینمایند .

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - بنده موافقم لکن عبارت
یکه لوری بنظر بنده میرسد که ادای مقصود
نمی کند . دولت اجازه میدهد بشخص
معین که کارخانه را تأسیس کند در صورتی
که اصل کارخانه که تأسیس میشود برای
این است که جوهر کشی کنند یعنی آن
دوای مخصوص را درست کنند و بصرف
برسانند نه اینکه فقط اجازه بدهند
که کارخانه درست کنند . بنده گمان میکنم
که عبارت این مقصود را نبرسانند .

رئیس - آقای کارزونی خودشان
عضو کمیسیون هستند و اطلاعشان در این قسمتها
زیاد است . مقصود تأسیس کارخانه است و انحصار
تأمین کارخانه با او داده میشود نه با سایر
رب السوس . گرفتن رب السوس ممکن
است بوسائل دیگر هم ممکن باشد .
حالا اگر منظور آقایان این است
که آنرا هم ممنوع بدارند این يك موضوعی
است علیحدّه ولی برای تأسیس کارخانه
امتیاز داده میشود
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است .

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - مخالفی ندارد
(گفته شد خیر)
رئیس - رای میکنیم ب ماده سوم
آقایانی که موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده دوم
(بضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - مدت این امتیاز ده سال
و ابتدای آن بعد از تصویب مجلس شورای

ملی از تاریخ مبادله امتیاز نامه خواهد
بود .

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - مخالفی نیست؟
(اظهار شد)
رئیس - رای گرفته می شود بماده
دوم آقایان موافقت قیام فرمایند
(عده کثیری برخاستند)
رئیس - تصویب شد . ماده سوم
(بشرح آتی خوانده شد)
ماده سوم - صاحبان امتیاز مکلف
هستند کارخانهای عصاره گیری را در
شمال در ظرف یکسال و نیم و در غرب در
ظرف دو سال و نیم و در جنوب در
ظرف سه سال و نیم از تاریخ امضاء
و مبادله این امتیاز نامه تأسیس نمایند

رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس آقای میرزا محمد خان وکیل
(اجازه)
میرزا محمد خان وکیل - اینجا سه قسمت
کرده در قسمت شمال یکسال و نیم و در
قسمت غرب دو سال و نیم و در قسمت جنوب
سه سال و نیم . علت این اختلاف بین این
مدتها چیست . اگر دلایلی دارند آقای
مضیر بفرمایند
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - این اختلافی که بنظر آقا
میرسد اولاً بواسطه کمی و زیادی علفش
است و ثانیاً بواسطه این است که در نقاط شمالی
وسائش موجود تر است و تدارکش را قیلا
دیده لیکن در نقاط جنوبی نه تفحص کرده
و نه تجسس نموده و نه کارخانه اش را آورده
و نه مقامش را ترتیب داده و نه آن اندازه
محل احتیاج است از این جهت در مرتبه دوم
قرارداد اند در صورت در این باب در
کمیسیون دقت های لازم شده و هیچ جای
نگرانی باقی نیست

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - مخالفی ندارد
(گفته شد خیر)
رئیس - رای میکنیم ب ماده سوم
آقایانی که موافقت قیام فرمایند
(اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد . ماده چهارم
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده چهارم - عدم تأسیس هر يك از
کارخانهای مذکور در ظرف مدت های
معینه در ماده سوم موجب انفساء امتیاز
نسبت بقسمت مربوط بآن مدت و ضبط یا
دریافت بلاعوض نك وجه ودیعه خواهد
بود .

بنابراین چنانچه پس از انعقاد سه
سال و نیم از تاریخ مبادله امتیاز نامه هیچ
يك از کارخانهای مذکور تشکیل نیافته باشد
يكی از درجه اعتبار ساقط و كلیه

ماده چهارم - برای تأمین اجرای مقررات
این امتیاز صاحبان امتیاز متعهدند که تمام عصاره
مبادله این امتیاز نامه مبلغ سه هزار تومانش
وجه نقد یا سند معتبر که مالیه قبول کنند و در
يكصد روز بعد از تاریخ امضاء این مقررات
ماده سوم بترتیب مذکور در ماده پنجم
بدولت علیه تادیه نمایند .

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - مخالفی نیست؟
(اظهار شد)
رئیس - رای گرفته می شود بماده
دوم آقایان موافقت قیام فرمایند
(عده کثیری برخاستند)
رئیس - تصویب شد . ماده سوم
(بشرح آتی خوانده شد)
ماده سوم - صاحبان امتیاز مکلف
هستند کارخانهای عصاره گیری را در
شمال در ظرف یکسال و نیم و در غرب در
ظرف دو سال و نیم و در جنوب در
ظرف سه سال و نیم از تاریخ امضاء
و مبادله این امتیاز نامه تأسیس نمایند

رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس آقای میرزا محمد خان وکیل
(اجازه)
میرزا محمد خان وکیل - اینجا سه قسمت
کرده در قسمت شمال یکسال و نیم و در
قسمت غرب دو سال و نیم و در قسمت جنوب
سه سال و نیم . علت این اختلاف بین این
مدتها چیست . اگر دلایلی دارند آقای
مضیر بفرمایند
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - این اختلافی که بنظر آقا
میرسد اولاً بواسطه کمی و زیادی علفش
است و ثانیاً بواسطه این است که در نقاط شمالی
وسائش موجود تر است و تدارکش را قیلا
دیده لیکن در نقاط جنوبی نه تفحص کرده
و نه تجسس نموده و نه کارخانه اش را آورده
و نه مقامش را ترتیب داده و نه آن اندازه
محل احتیاج است از این جهت در مرتبه دوم
قرارداد اند در صورت در این باب در
کمیسیون دقت های لازم شده و هیچ جای
نگرانی باقی نیست

رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - مخالفی ندارد
(گفته شد خیر)
رئیس - رای میکنیم ب ماده سوم
آقایانی که موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده دوم
(بضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم - مدت این امتیاز ده سال
و ابتدای آن بعد از تصویب مجلس شورای

وجه الضمانه میباید و بلاعوض بدولت تعلق
خواهد گرفت و بالعکس هر موعی که یکی
از کارخانهای سه گانه در ظرف مهلت مربوط
به آن تأسیس شود نك وجه ودیعه مسترد
و در صورت ضمانت نسبت ب نك وجه بالاتر
خواهد بود .

تیسره - موارد (فرس مازور) در
اجرای شرایط الفاه فوق الذکر مستثنی
است .

رئیس - آقای حایری زاده
(اجازه)
حایری زاده - بنده موافقم
رئیس - آقای آقامیرزا شهاب
(اجازه)
آقامیرزا شهاب - در قوانینی که گذشت
بجای فرس مازور آقایان يك عبارت دیگری
انتخاب کردند بنده تقاضا میکنم در این
جا هم همان عبارت معمول فارسی نوشته
شود .

رئیس - در تبصره چون در بین الهالین
گذاشته شده بنده تصور میکنم مقصود
ایشان حاصل شده
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است .

رئیس - رای میکنیم ب ماده پنجم یا
تبصره . آقایان موافقت قیام فرمایند
(جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ششم
(بشرح زیر قرائت شد)
ماده ششم - اتباع داخله میتواند
استفاده های معموله که تا کنون از سوس بعمل
میآورند ادامه دهند و این امتیاز به هیچ وجه
مانع عملیات آنها نخواهد بود ولی عصاره
گیری از علف مزبور و وسیله کارخانجات تا
اگر سرمایه دارد بایستی ودیعه بگذارند
تا مامطمش بشیم اینکار را خواهد کرد
بعد ودیعه را هم که داد بر میدارند و اگر دارای
سرمایه نیست بایستی مابك امتیازی را
بدهیم و مدتی وقت تلف شود تازه معلوم
شود بعد از دو سال این امتیاز ملغی
است .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است .

رئیس - آقای حایری زاده
(اجازه)
حایری زاده - موافقم
رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - موافقم
رئیس - آقای مسعود
(اجازه)
فلامحیی میرزا مسعود - موافقم
آقا سید یعقوب - مخالفی ندارد
رئیس - رای می گیریم ب ماده ششم
آقایانی که بسا این ماده موافقت قیام
فرمایند .

(غالب از نمایندگان قیام و دند)
رئیس - تصویب شد - ماده هفتم
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۷ - صاحبان امتیاز میتواند
مطابق قوانین ایران و با اطلاع وزارت
فوائد عامه برای موضوع این امتیاز بشکلی
ش رکنی مبادرت نمایند ولی از اتباع داخله
یا خارجه معلوم نیست در قانون تجارت
که از کسیون عدلیه گذشته است در
آن قانون ما اجازه داده ایم که امتیاز خارجه
می تواند شرکتی تأسیس کنند (امر از
هم در ایران باشد)
این قیدی هم که در اینجا شده که در جهت
قوانینی که در این مملکت معتبر است

مرکز شرکت مزبور در ایران بوده و همواره
مطابق مقررات قوانین ایران باشد در این
صورت شرکت مزبور از هر حیث قیام
صاحبان امتیاز خواهد بود .

رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - موافقم
رئیس - آقای افسر
(اجازه)
افسر - بنده مخالفم - زیر آنصوری
که لازم است مقصود را تأمین نمیکنند - زیرا
راجع به مسئله شرکت فقط نوشته است
مجاز است که در تحت قوانین ایران شرکتی
تشکیل بشود و لفظ قوانین ایران کاملاً
مقصود را تأمین نمی کند و متناهی این است
که اگر خواست در تحت قوانین شرکتی
از اتباع خارجه تشکیل بشود می تواند
به این مناسبت بنده با این ماده موافقت
ننماید .

رئیس - آقای کارزونی
(اجازه)
کارزونی - بنده درست نتوانستم بفهمم
که واقعاً تاچه اندازه مخالفت آقا در این
موضوع مؤثر است مقصود این است که
این شرکتی که تشکیل می شود تابع
قوانین ایران و مرکزش در ایران
باشد .

علتش هم این است که اگر این شرکت
در یکی از ممالک متدنه خارجه تشکیل
بیدا کرد تابع قوانین خارجه آن مملکت
است و معکوس بتمت آن دولت خواهد
بود .

اینجا تصریح کرده که مرکزش در
ایران و تابع قوانین ایران است چه عبارتی
از این روشش دارید؟ پیشنهاد بفرمائید تا
ما هم با کمال امتنان قبول کنیم .
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است .

یاسانی - بنده با کفایت مذاکرات
مخالفم .
رئیس - بفرمایید
یاسانی - در این ماده يك عبارت نوشته
شده است که این را آقایان درست نوجه
فرمودند بنده برای توضیح اینکه چرا
مذاکره کافی نیست ناچارم آن را عرض
کنم و آنوقت عرض کنم که چرا مذاکرات
کافی نیست .
نوشته است صاحبان امتیاز می توانند
مطابق قوانین ایران و با اطلاع وزارت
فوائد عامه برای موضوع این امتیاز بشکلی
ش رکنی مبادرت نمایند ولی از اتباع داخله
یا خارجه معلوم نیست در قانون تجارت
که از کسیون عدلیه گذشته است در
آن قانون ما اجازه داده ایم که امتیاز خارجه
می تواند شرکتی تأسیس کنند (امر از
هم در ایران باشد)
این قیدی هم که در اینجا شده که در جهت
قوانینی که در این مملکت معتبر است

میتوانند شرکتی تشکیل دهند نمی تواند جلو گیری از این مسئله بکند و بوسیله این ماده ما غیر مستقیم امتیاز را به یک شرکت خارجی خواهیم داد.

وزیر فواید عامه بنده این مسئله را بطوریکه اینجا نوشته مضر نمی دانم و شاید هم محتاج نمی دانستم که توضیحاتی بدهم.

زیرا اکثریت آقایان نمایندگان را بنده موافق می دانم و از حیث این ماده محتاج توضیح نمی دانم.

وزیر فواید عامه نماینده محترم ماده سیزده را معلوم میشود نتواند اند بنده میخوانم - انتقال این امتیاز به نحوی از انحاء بانواع خارجی یا شرکتهای خارجی ممنوع و موجب الغاء این امتیاز خواهد بود.

آئینت چون این بگفتاونی است که شاهن تمام ملک می شود امورین و کارکنان آن شرکت در تمام نقاط ایران خواهند بود و بنده اگر اینطور باشد با اصل قانون مغالفت خواهم کرد و هیچ حاضر نیستم که یک شرکتی بنام ایرانی یا این سهلی وسادگی باین وسعت در ایران تشکیل شود.

وزیر فواید عامه نماینده محترم ماده سیزده را معلوم میشود نتواند اند بنده میخوانم - انتقال این امتیاز به نحوی از انحاء بانواع خارجی یا شرکتهای خارجی ممنوع و موجب الغاء این امتیاز خواهد بود.

وزیر فواید عامه نماینده محترم ماده سیزده را معلوم میشود نتواند اند بنده میخوانم - انتقال این امتیاز به نحوی از انحاء بانواع خارجی یا شرکتهای خارجی ممنوع و موجب الغاء این امتیاز خواهد بود.

البته آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

که باید شرکتها چه جور تشکیل شود و سهام چه جور باشد تمام این مسئلهها در آن قانون رعایت کرده است بنابر این بنده این قسمت را زیاد می دانم.

مخبر عرض کنم در این قسمت البته ما هم نمیتوانیم یک ماده وضع کنیم که بر خلاف ماده قانون مصوبه باشد و اگر در این جا بنظر میرسد که این ماده یک اختلاف نظری با مواد مصوبه دارد البته باید آنرا درست کرد که قوانین یک آهنگ و یک دسته باشد برای این مسئله ممکن است یک کلمه (قانون تجارت) در این عبارت زیاد کنیم ولی سایر قسمتهایش دست نخورد و آنرا نیست که نوشته شود (مطابق قانون تجارت با اطلاع وزارت فواید عامه) این شکل را ممکن است قبول کنیم که اگر اختلافی باشد باین کلمه رفع میشود.

مخبر - بنده قبول نمیکنم. رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

شامل قانون تجارت هم میشود. چون در ابتداء تصور میرفت که شاید شامل قانون تجارت نشود آنوقت با آن تضاد پیدا کند ولی بطوری که آقای رئیس فرمودند قوانین ایران شامل قانون تجارت هم خواهد شد.

مخبر عرض کنم در این قسمت البته ما هم نمیتوانیم یک ماده وضع کنیم که بر خلاف ماده قانون مصوبه باشد و اگر در این جا بنظر میرسد که این ماده یک اختلاف نظری با مواد مصوبه دارد البته باید آنرا درست کرد که قوانین یک آهنگ و یک دسته باشد برای این مسئله ممکن است یک کلمه (قانون تجارت) در این عبارت زیاد کنیم ولی سایر قسمتهایش دست نخورد و آنرا نیست که نوشته شود (مطابق قانون تجارت با اطلاع وزارت فواید عامه) این شکل را ممکن است قبول کنیم که اگر اختلافی باشد باین کلمه رفع میشود.

مخبر - بنده قبول نمیکنم. رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

صفحه ۱۶۹۷

پیشنهاد آقایانسر ۰۰۰ رأی بقابل توجه بودن میشود گرفت.

رئیس - رأی قطعی باید بگیریم چه باید بکنیم - ارجاع بکمیسیون است - بقابل توجه بودنش باید رأی گرفته شود.

خوب رأی میکنیم اگر قابل توجه شد ماده بر میگرد بکمیسیون آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

پیشنهاد آقایانسر ۰۰۰ رأی بقابل توجه بودن میشود گرفت.

رئیس - رأی قطعی باید بگیریم چه باید بکنیم - ارجاع بکمیسیون است - بقابل توجه بودنش باید رأی گرفته شود.

خوب رأی میکنیم اگر قابل توجه شد ماده بر میگرد بکمیسیون آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

رئیس - رأی میکنیم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

هم خواهد شد بعضی ماشینها را مستثنی کردیم که آنها باید حقوق گمرکی را بپردازند مثل ماشین طبع و ماشین چوب بانی و ولی کلیه ماشین آلات صنعتی از حقوق گمرکی معاف شده اند و این ماده بنظر من زیاد می آید.

مخبر اگر آقای حایری زاده در خاطر دارند که کلیه ماشین آلات از حقوق گمرکی معاف شده است با این ضرری نخواهد داشت یک تا یکدی خواهد شد نسبت با قانون.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

دوره پنجم

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

رئیس - آقایان محترم قانون تجارت را که تقریباً در همین دوره از طرف کمیسیون عدلیه تصویب شده است دیده اند.

را بکند یا صاحب امتیاز چون یکسده است
 شرکاء ممکنست بگویند ما سه درصد غیر
 خالص داریم
 یک دسته دیگر بگویند ما ده در
 صد خالص را می دهیم و کسهکش
 بود
 بعضی از نمایندگان (باهمه) مادیارده
 تامین کرده
 رئیس - عامل بفرمائید فرمایشان را
 بکنند
 آقا میرزا شهاب - این است که بنده
 عقیده دارم بلکه اگر آقایان صلاح میدانند
 بنده پیشنهاد میکنم که یکی از این دورا
 بطریق قطع انتخاب کنیم. سه در صد از
 عایدات غیر خالص و با ده درصد خالص و
 نظریه اینکه زحمات دولت کمتر باشد بنده
 سه درصد غیر خالص را موافقت
 مقرر کرده ام پاره این مسئله پیش
 بینی شده است حالا اگر منظور این باشد
 که دست دولت را ببندیم یعنی اوزار ما
 بکنیم که سه درصد را بگیرد پاره درصد
 را بگیرد و اوزار ما بدو بکنیم
 این یک عملی است که ما کرده ایم و
 هیچ اثری هم ندارد چون برای دولت
 ممکنست ضرر داشته باشد اینجا که شق
 پیش بینی شده است یکی اینکه از عایدات
 اصلی بگیرند یکی اینکه بهما توضیح خارج
 و اختیارش با دولت است و آنطور که آقا
 میرزا شهاب فرمودند اگر این ترتیب نداشت
 البته نقص بود
 ولی در ماده یازده جلوی گیری شده و
 انتخاب آن بنظر دولت را گذار شده است
 بنابراین دیگر ما نمیخواهیم داشت هر کدام
 وادوات خواست بگیرد
 رئیس - آقای کازرونی
 (اجازه)
 کازرونی - موافقم
 رئیس - آقای عراقی
 عراقی - موافقم
 رئیس - آقای دستغیب
 دستغیب - موافقم
 جمعی از نمایندگان - ملاحظا کرات کافی
 است
 رئیس - وای بگیریم پاره ده آقایان
 موافقین قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ماده یازدهم
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده یازدهم - عایدات خالص عبارت
 است از کلبه عمل کرد کارخانه پس از
 وضع مخارج لازمه اداری و قیمت مواد
 اولیه و وجوه لازمه برای تعمیر و مرمت
 کارخانه انتخاب در صد عایدات غیر خالص یا
 ده درصد
 عایدات خالص اختیار دولت است
 رئیس - آقای حائری زاده
 (اجازه)

حائری زاده موافقم
 رئیس - آقای شبروانی
 شبروانی موافقم
 رئیس - آقای آقا سید بقوب
 آقا سید بقوب - اینجا یا آقای وزیر یا
 آقای مغیر توضیح بدهند که این اختیاری
 که برای دولت هست اختیار برای سال اول
 است یا اختیار ابتدائی است یعنی در تمام
 ده سال همیشه اختیار با دولت است که در
 هر سال هر کدام را بخواهد بگیرد یعنی
 اینکه اختیار استنداده باشد یا اینکه اگر سال
 اول یک ترتیبی را قبول کرد آنوقت معین
 شود که تا آخر همانطور باشد
 وزیر فریاد همه بنده گمان میکنم
 اگر آقا مراجعه بسله ۱۲ بفرمایند این
 موضوع تامین شده زیرا در آنجا ارجاع
 بهر سال می نویسد (در صورتی که در آن
 سال دولت اخذ ده در صد عایدات خالص
 را تصویب نموده باشد) آخر
 پس اوزار این ماده معلوم می شود که هر سال
 دولت این اختیار را دارد و این واضح
 است
 رئیس دیگر مخالفی ندارد؟
 (گفتند خیر)
 رئیس - وای می گیریم ماده ۱۱ آقایان
 موافقین قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ماده ۱۲
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده دوازدهم - صاحبان امتیاز ممکنست
 که برای محاسبات کارخانه خود دفاتر
 منظمی ترتیب داده و همه ساله صورت حساب
 (بیلان) دخل و خرج خود را بدولت تقدیم
 دارند
 علاوه مفتشین دولت که دارای حکم
 کتبی باشند می توانند در موقع لزوم ذیل
 از آنکه صورت حساب (بیلان) محاسبات
 کارخانه تهیه شده باشد به فاتر صاحب امتیاز
 مراجعه نموده در صورتی که در آن سال
 دولت اخذ ده درصد عایدات خالص را تصویب
 نموده باشد میبالتی را که خارج از میزان
 مذکور در ماده ۱۲ بخرج منظور شده باشد
 حذف نمایند
 رئیس - آقای حائری زاده
 (اجازه)
 حائری زاده - موافقم
 رئیس مخالفی ندارد؟
 بعضی از نمایندگان - خیر
 رئیس - وای گرفته می شود پاره ۱۲
 آقایان موافقین قیام فرمایند
 (اغلب برخاستند)
 رئیس - تصویب شد ماده ۱۳
 (اینطور خوانده شد)
 ماده سیزدهم - انتقال این امتیاز بهر
 نحوی از انحاء به اتباع خارجه یا شرکت
 های خارجی ممنوع و موجب الغای امتیاز
 خواهد بود ولی در صورتیکه موافق ماده

۷ شرکتی تشکیل شود اتباع خارجه هم
 می توانند تا ۴۹ درصد از سهام شرکت
 مزبور خریداری نمایند
 رئیس - آقای آقا میرزا شهاب
 (اجازه)
 آقا میرزا شهاب - ملاحظا که اینجا آمده
 ایم نشسته ایم و از طرف ملت انتخاب شده ایم
 باید تمام سعی مان این باشد که قوانینی که
 می نویسیم برای مملکت و ملت نافع
 باشد
 بنابراین اگر یکجائی یک چیز مهمی
 باشد باید طوری قانون از مجلس بگذرد
 که تصور نشود یک ماده یا یک گوشه از قانون
 بر ضرر مملکت و جامعه تمام شود این بود
 که بنده در ماده هفتم مخالفت کردم و هنوز
 هم در مخالفت خود پافشاری می نمودم در این ماده
 هم مخالفم
 بعضی از آقایان گفتند با سرمایه
 خارجی مخالفی نیست سرمایه خارجه که
 نتیجه اش برای مملکت خوب نباشد مخالفم
 و هر سرمایه خارجه که آن نتیجه را که
 دیده ایم از سرمایه های خارجی در بعضی
 از قطعات عالم پیدا شده است داشته باشد
 بنده مخالفم و گمان میکنم آقایان هم مخالف
 باشند
 افسر - صحیح است
 آقای میرزا شهاب - و اما اینکه میفرمایند
 این یک شرکت ساده است برای رب السوس
 عصاره سوس و دوتا کارخانه است می آورند
 و آنقدر طول و عرض و اهمیت
 ندارد
 بله تمام مسائل در ابتدا خیلی کوچک
 بوده است و هیچ مسئله از اول بیک شکل
 عظیم و بزرگ و سترگی در دنیا عرض و اندام
 نکرده است
 همه مسائل در ابتدا کوچک
 بوده است
 همه فکر هارا اول یک نفر کرده
 است صمم کم آن فکر را پرورش داده
 اند تا وقتی که یک چیز بزرگی از تنش
 در آمده آنرا ویلان هم که درست شده
 است از همان روز اول یک ویلان بزرگی
 نبوده است و شاید در اول یک چیز خیلی
 مختصری بوده که شاید دوزخ بیشتر از
 زمین بلند نمی شده است تا اینکه با اینجا
 رسیده است
 هر چیز کوچک ممکن است کم کم
 بزرگ شود و بالاخره همین مسئله را که
 خیلی کوچک فرض میکنند ممکن است
 در آتی بر ضرر مملکت و همه تمام شود و
 فریاد بنده برای همین نکته است که یک
 قسمت دیگر در این ماده نوشته شده است
 (خیلی هم سهل و ساده) که چهل و نه درصد از
 سهام شرکت را اتباع خارجه میتوانند
 خریداری نمایند
 خوب این هم البته باز اکثریت با
 ایرانی است یعنی پنجاه و یک درصد ایرانی
 نه در اینجا و نه در هیچ جای دنیا که

سهم دارد و چهل و نه درصد (چیز کمی هم
 هست) غیر ایرانی شرکت دارد خوب
 حالا ما خودمان هستیم بینیم در یک
 جائی که بنده پنجاه و یک نفر ایرانی باشد
 چهل و نه نفر غیر ایرانی
 یعنی از اعضایی که ما آنها را
 دیده ایم و درجه لیاقت و که لایق آنها را
 دیده ایم و علوم آنها را دیده ایم (یعنی
 پنجاه و یک نفر جاهل و چهل و نه نفر عالم)
 بینیم چه از توی آن در می آید؟
 بنده عرض میکنم چهل و نه نفر در
 مقابل پنجاه و یک نفر خیر بلکه بنده فرم
 قریب ایرانی در یک شرکت صد نفری هر
 گاه باشد باز نتیجه اش همین است این
 است که بنده در کارهائیکه یک فواید آنی
 از آنها برای مملکت منظور باشد که
 نتایجش ضررهای آنیه باشد با آنها مخالفم
 از این جهت بنده با سرمایه خارجه هم که
 آقایان میفرمودند مخالفم و با این ماده هم که
 صدی چهل و نه سهام اتباع غیر ایرانی فروخته
 شود مخالفم
 و فرمایش آقای نفی زاده تسل البته
 را گواهی میکنیم که این شرکت با این ترتیب
 اسباب زحمت مردم خواهد شد و این ترتیب
 صلاح نیست
 وزیر فریاد همه البته بنده خود حسن
 نیت نماینده محترم را در بیان اینکه کردند
 کاملاً تصدیق دارم و همینطور هم هست و
 باید هم همین طور باشد که وقتی که یک
 قانونی را مجلس رأی می دهد متوجه این
 که این قانون از یک طرفی از یک گوشه
 اسباب زحمت و ضرر برای مملکت نشود
 ولی این اصل کلی را که تصدیق کردم
 حالا باید ببینیم که در این مورد بخصوص
 چه باید کرد آیا مضر است یا نه
 فرمودند که سرمایه خارجه وقتی مضر باشد
 بنده با آن مخالفم البته کسی نیست که موافق
 باشد
 صحبت در صورتی است که مضر باشد
 بنده اینکه در این موضوع و حال اینکه
 میدانم خیلی از نمایندگان بیشتر میل داشتند
 صحبت بکنند بنده صحبت کردم برای این
 بود که مخصوصاً یک فرمایشی در اینجا
 بکنم ما یک مملکت داریم براز بدبختی
 اوضاع اقتصادی ما هم بد است اینها هم
 با حرف و صحبت و کلیات نمی شود بیک
 صورت صحیحی در آورد و برای اینکار
 باید یک تدابیری بکاربرد
 که در این مملکت سرمایه وارد شده
 و ضرر هائی هم که ممکن است داشته باشد
 جلوش را گرفت
 این هم که تنها راهش این است
 که سرمایه که وارد میشود بطریق سرمایه
 تجارتی باشد و شرکتهائی هم که تأسیس
 میشود اکثریتش با ایرانی باشد هیچ
 طریق دیگری نیست
 نه در اینجا و نه در هیچ جای دنیا که

اگر تمام اشخاص عالم و فاضل را هم جمع
 کنید نشان بدهند که یک سرمایه ممکن
 است بطریق دیگری وارد شود و ضرر
 کمتر از این راه باشد
 اما این مسئله را که فرمودند که
 که اگر یک جائی ۴۹ نفر خارجه باشد و ۵۱
 نفر ایرانی تکلیفش چه خواهد بود و بعد
 هم مسئله را کشانند بجائی که اگر نه نفر
 خارجه باشد و نود و یک نفر ایرانی روزگار
 خراب می شود بنده این را هم تصدیق
 ندارم
 البته در مملکت ما بدبختانه معارف
 نیست و هنوز اطلاع و معلومات بقدریکه
 باید زیاد نیست و همین جهت است که
 گاهی در یک مسائل مسلمی انسان مجبور
 میشود خیلی احتیاط کند از برای اینکه
 مبادا چیزی از توش در آید ولی با وجود
 اینها این اندازه ما که آقا سوس و ظن اظهار
 میکنند و این اندازه به بی لیاقتی یک عده
 ایرانی در مقابل یک عده اروپائی اعتقاد
 دارند
 این مسئله هم صحیح نیست و ممکنست
 در یکی نه نفر ایرانی باشد یک عده هم اروپائی
 باشند و با وجود اینجان ننگ ندارند کلا همان
 را بردارند البته با راستی سعی کرد که در
 آتی آدم بیشتر پیدا کنیم
 سرمایه هم بیشتر پیدا کنیم و البته وقتی
 که سرمایه از داخل بشود تهیه کرد دیگر
 محتاج نیستیم که سرمایه از خارج وارد
 کنیم
 ولی این مسئله را هم با آقایان عرض
 کنم در ممالکی که سرمایه شان خیلی
 بیشتر از ما است و اصلاحی طرف نسبت
 هم با ما نیستند یک نسبت از سرمایه تمام
 کمیانی های داخلی مملکت از کمیانهای
 خارجه است و اینکه بنده اینجا این همه
 صحبت میکنم برای اینست که آقایان
 محترم این اصل را در نظر داشته باشند که
 باید سعی کرد سرمایه را از خارج مملکت
 بوسیله کمیانهای جلب کرد و اینقدر ها هم
 نرسیده
 منتهی قوانینی وضع کرد که نتوانند
 اکثریت پیدا کنند قانون تجارت هست
 در اینجا هم قید میکنند و وقتی اکثریت
 بنا به بود او یک عده بشود بالطبع آن عده باید
 حاکم باشند و اگر بنا بر این باشد که آقا چهل و
 نه درصد را که هیچ درصدش را هم میگویند زیاد
 است بنا بر این باید یک سرمایه مال ایرانی
 باشد از خود شما سؤال میکنم (مسئله را
 هم انحصار ندهید رب السوس کارهای
 دیگر را هم در نظر بگیرید) در صورتیکه
 حتی که درصد هم نباید سرمایه خارجه
 باشد بنده می خواهم ببینم که شما مملکت
 را چه جور بحال خوبی در خواهید آورد؟
 آقایان باید بدانند که ضرر تقریباً لاترین
 ضرر هائی است که از هر راه ممکنست تصور
 شود بر این مملکت وارد میشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات
 کافی است
 رئیس - پیشنهاد آقای وحید سعد
 (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده ۱۳
 بطریق ذیل اصلاح شود
 اتباع خارجه هم میتواند تصدیق و پنج
 درصد از سهام شرکت مزبور خریداری
 نمایند
 رئیس - آقای وحید سعد
 (اجازه)
 وحید سعد - بنده چهل و نه درصد را
 برای اتباع خارجه خیلی زیاد میدانم با اینجهت
 سی و پنج درصد پیشنهاد کردم و با این
 ترتیب هم اتباع داخله اکثریت خواهند
 داشت و هم آن نظریه آقای آقا میرزا شهاب
 تامین خواهد شد با اینجهت خواهشمندم آقای
 شهاب هم بشود
 مغیر بنده در این قبیل مواد عقیده
 دارم که تمام آقایان مخالف صحبت ها شان
 را بکنند زیرا اینها مواد خیلی اساسی است
 و حقیقتاً باید فکری تولید بشود و یک
 فکری تضحیح بگردد و ملاحظا که بنده با این
 فکر عمل بکنم
 ولی حالا که آقایان فرمودند مذاکرات
 کافی است بنده هم فصل عرض نمی کنم
 و این پیشنهاد را هم نمیتوانم بیشتر بر
 شما هر قدر از این مسئله کم کنید که صدی نه
 بشود یا صدی یازده بشود یا بیست و پنج
 و با سی و پنج بهمان درجه اصرار کرده ام که
 پول در این مملکت نیاید
 ما امروز سرمایه کافی در این مملکت
 نداریم و سابقاً هم این مسئله گفته شده و
 قدری هم گفته شده است که مبتذل
 شده سرمایه ایران امروز بقدر سرمایه
 دیگران نیست
 پس دیگر این چه اصرار است که
 ما داریم؟؟ بجای اینکه سعی کنیم عوض
 صد تومان بیاض تومان وارد کنیم
 گوشش داریم بیاض تومان را صد تومان
 کنیم؟؟
 بنا بر این عقیده بنده این است که
 هر قدر در این باب سعی کنیم اصرار در کم
 کردن پول کرده ایم
 رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه
 پیشنهاد آقای وحید سعد آقایان بکنند
 قیام فرمایند
 (عده کمی برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد
 آقای افسر
 (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که بجای چهل و
 نه درصد سی درصد نوشته شود
 رئیس - آقای افسر
 (اجازه)
 افسر - بنده البته در آن موقع که

ما افزوده نخواهد شد و دوسه کارخانه
 در خراسان یا جای دیگر که سی چهل هزار
 تومان یا دویست هزار تومان
 فائده برای مملکت داشته باشد
 وارد نخواهد شد و چون من آن اتباع
 خارجه را نیشام سی در صد ا کافی می
 میدانم و چهل و نه درصد را زائد میدانم و
 عقیده خود بر ا عرض کردم حالا آقایان
 متخارند
 رئیس - وای بگیریم پیشنهاد آقای
 افسر
 آقایانیکه موافقند قیام فرمایند
 (چند نفری برخاستند)
 رئیس قابل توجه نشد
 پیشنهاد آقای آقا شایخ حلال قرائت
 میشود
 (شرح آن خوانده شد)
 اصلاح ماده ۱۳ پاضافه نمودن
 شرح ذیل
 مشروط بر اینکه نظامنامه شرکت
 مزبور به نحوی تنظیم شده باشد که شرکت
 در تحت ریاست و مدیریت ایرانی اداره شود
 آقا شایخ حلال در همین اینکه معامه
 هستیم که سرمایه های خارجه را باید باین
 مملکت جلب کرد همه متفق هستیم که
 اگر یک ماده کسی پیشنهاد کند که
 دولت مجاز است تمام منابع ثروت و عایدات
 مملکت را بیک شرکت خارجه بدهد تمام
 آقایان مخالف هستند
 شبروانی - کمی چه حریفی زده؟
 آقا شایخ حلال - مثلاً عرض میکنم
 پس این اصل که بایستی ما از منابع
 ثروت خودمان بوسیله سرمایه خارجه
 استفاده کنیم مجوز این نمیشود که ما کور
 گورانه اجازه بدهیم سرتاسر مملکت بطور
 غیر مستقیم در تحت نفوذ و استیلا یک شرکت
 خارجه در آید کما اینکه همه آقایان
 نمایندگان اعضاء کیسیون و وزیر فواید
 همه از شرکت اجنبی اظهار نگرانی
 فرمودند و فقط خواستند این نگرانی را
 بدادن یک سهم زیادت در تبیغه داخله تأمین
 کنند
 گفتند چهل و نه درصد بخارجه میدهم و بقیه
 را با اتباع ایرانی تا اینکه از این مضرات
 جلوگیری شود
 بنده قول میدهم که اگر سهام این
 شرکت منتشر شود تا یک مدت معینی
 بیست و نه درصد بلکه ده درصد از تبیغه داخله
 کسی پیدا نشود که سهام را ببرد و بجهت
 اینکه مردم پول ندارند و اوضاع زندگیشان
 خیلی خطرناک است و آقایان تصدیق
 دارند که بایستی این نگرانی را تأمین کرد
 و این نگرانی بچهل و نه درصد و نه درصد
 هم تأمین میشود
 اما علت اینکه کیسیون این چهل
 و نه درصد را پیشنهاد کرده چیست

رئیس - آقا در پیشنهاد خود ان توضیح بدهید.

آقا شیخ جلال - خواهستم علت این مسئله را عرض کنم

رئیس - مادامه حضرت وسه را در نظر داشته باشید.

آقا شیخ جلال - بلی آقایان از این نقطه نظر چهل و نه درصد را نقل شده اند که وقتی چهل و نه در صد باقی ایرانی باشد بایستی هیئت رییسه و موثورا اختیار شرکت در دست ایرانی باشد ولی آقایان میدانند که در قانون تجارت یک قبودی شده است که ممکن است يك التزمات و يك قرارداد های خصوصی در نظامنامه های شرکت باشد.

بنابراین ممکن است که چهل و نه درصد از سهام را ازاد و ممکن است نظامنامه طوری تنظیم شده باشد که باز اقلیت ریاست شرکت را داشته باشند.

بنابراین بنده برای اینکه این نظریه تأمین شود پیشنهاد کردم که مشروع بر اینکه نظامنامه شرکت بصورتی تنظیم شده باشد که شرکت در دست ریاست و مدیریت ایرانی باشد.

یعنی این قدر از سرمایه مال خارجی باشد ولی شرکت ایرانی باشد حال دیگر بسته است بنظر آقایان

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - همانطور که آقای مخبر اظهار کردند گاهی در بعضی مسائل باید اجازه داد که عقاید گفته شود و مسائل يك قدری تشریح شود و بنده حتماً در آقا میرزا شهاب و آقای آقا شیخ جلال و سایر آقایان يك نظریه خاصی در این قانون ندارند بلکه عقیده شانست که اظهار می کنند و ما هم يك عقیده خاصی داریم می بیند ندارد که اظهار کنیم شاید طرف را قانع کنیم.

اولاً این جزء مرام بنده است که باید بان عمل کنیم بلکه باید سعی کنیم سرمایه خارجی باین مملکت داده شود و ممکن است آقای آقا میرزا شهاب هم این عقیده را داشته باشند.

باید همانطور که ایشان در آقا شهاب اظهار فرمودند ما هم عقاید خود ما را اظهار کنیم.

اساساً چون در اینجا بعضی ها راجع بطرز سرمایه خارجی و آوردنش صحبت کردند در این قضایا باید حرف زد تا مطلب روشن شود بنده در این قضایا مقرب هستم و بقول یکی از دوستان عقیده دارم که سرمایه اصلا وطن ندارد.

سرمایه مال همه جا است. در دنیای

امروز وطن برای سرمایه معین نکرده اند.

آقا سید یعقوب - چرا آمریکا (خنده بین نمایندگان)

شیروانی - بلی آمریکا که وطن سرمایه است اگر يك سرمایه اجنبی داخل آنجا شد گمان نمی کنم که يك فتوای است که آمده است آنجا و می خواهد آن مملکت را قبضه کند غیر سرمایه آمریکا هم همانطور در تمام دنیا منتشر شده است.

یاسانی - سابقه کلنگه را در نظر بیاورید.

شیروانی - در همان وقتیکه آقا راجع کلنگه تذکر میدهند ما استقلال داشته ایم فردایش هم مستقل بودیم. امروز هم مستقل هستیم - فردا هم مستقل خواهیم بود.

بنده نمایانم آقایان چرا دنبال يك قضایای را که سابقاً میخواست است مد شود ولی نمیکنند پیش از این نباید از فرمان سیاه و سفید ترسید ؟ آقای یاسانی اینها يك قضایای بود که برای زمان خودش خیلی هم خوب بود.

بنده نمیخواهم آن هائی را که سابقاً باین مسائل عقیده داشته اند تنقید کنم ولی عرض میکنم این حرفها مال آن زمان بود و امروز دیگر در این مملکت خریدار ندارد.

بنده میخواهم از آقایان بپرسم که فرض کنیم صدی نود و نه سرمایه بر سوس که ما میخواهیم درست کنیم از سرمایه خارجی است بدون اینکه امتیاز بخارجی داده باشیم یعنی آن سرمایه را فرانسه ها داده باشند انگلیسها داده باشند بلژیک ها و روسها داده باشند و یا يك کارخانه بیاورند و این علفهای بیابان ما را بکنند و آن دولرا درست بکنند و عمل کنند بخارجی من میخواهم به بین توی این پول هائی که از آنجا وارد می شود شراکتیل است؟

مقصود ما میخواستیم آقای شیخ الرئیس توجه بفرمایند که آن فرزانگی که از آنجا می آید توش شراکتیل است یا بی بهره آن علف سوس که ما اصفهانی میجویم - گوئیم يك نفر نظامی می ایستد و آنوقت برای مملکت خطرناک میشود؟

بلی بعضی سرمایه ها هست که شاید اگر از نقطه نظر همی درش نگاه کنیم ممکن است گاهی يك سرمایه تولید شود ولی در چه موقع؟

در صورتیکه بخواید يك بانکی تأسیس کنید بگوئید سرمایه خارجی زیاد نباشد ولی راجع به مسئله بر سوس آقایان مخالفین توضیحی ندارند که چه میشود

يك شرحی مذاکره کردند از تاریخ و اینها ولی در قضیه بر سوس بخصوص نکند که سرمایه خارجی زیاد تر از ایرانی

باشد چه خواهد شد بنده میل داشتم آقایان توضیح بدهند که چه خواهد شد این اندازه سوء ظن در قضایا نباید باشد.

البته باید دقت کرد ولی نباید پایه سوء ظن را بجائی رساند که دست و پای مملکت را توی پوست کرد و در تمام جریانه ها هیچ کاری نتوانیم بکنیم.

مخصوصاً آقای افسر در کمیسیون تشریف داشته و راجع به موضوع دیگری که خیلی مهم تر از بر سوس بود و بنده آن موضوع مخصوص را که امتیاز نقطه بود عقیده داشتم که باید صدی چهل و نه يك طرف داشته باشد و صدی پنجاه و يك بکطرف ولی ایشان در آن جا اظهار موافقت نمی کردند و می گفتند خوبست پنجاه باشد.

اما در اینجا قضیه بر سوس بنده نمی دانم چه طور شده که آنجا هیچ حرفی نزدند و اینجا يك مرتبه بقبولشان رسیده که ممکن است يك ضرری برای مملکت داشته باشد.

افسر - شما آنوقت تشریف نداشتید که من اظهار مخالفت کردم

شیروانی - آقای آقا شیخ جلال هم در ضمن مخالفت اظهار کردند که ما باینهم بدون اینکه دقتی کرده باشیم تمام منابع ثروت خودمان را بخارجیها بدهیم و هیچ فکرش را هم نکرده باشیم.

بنده خیال نمیکنم تمام منابع ثروت مملکت ما منحصر بر بر سوس باشد مملکت ما منابع ثروت خیلی دارد و البته شماره قوتی داخل در استفاده از منابع ثروت نباشد اگر دیدید شرکت خارجی برایش مضرات قبول نکند.

همین مجلس در اوائل عمرش مهم ترین منابع ثروت خودش را که نقطه باعد داشت امتیازش را میبوش که بدهد بخارجی ها و بنده و شما همه هم موافقت می کردیم

اما بر سوس نمی دانم چه اهمیت دارد که اینقدر باید درش مذاکره کنیم؟

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - موافقت نمیکنند

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تقی زاده

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم باخراماده سزده علاوه شود که

پس از فروخته شدن چهل و نه درصد سهام سرمایه داران خارجی ایرانی که

بود که آن را در مملکت اجرا کرد و قانون سندهی بود در مقابل خلاف قانون ها ولی در نتیجه ترقی علم حقوق و پیدا شدن آو کاهای قابل برای قرار از قانون راههای مختلفی پیدا شده است که چیز هائی که ظاهر آ قانونی است برای قرار از آن کلاه شرعی درست میکنند.

حالا بجائی رسیده است که بقانون اساسی هم میتوان کلاه شرعی گذاشت بنده اختیار موحش میشوم از این که همین الان در این مملکت بطور قانونی همانجائی که مخصوصاً قانون اساسی تصویب مجلس را شرط کرده است

راه را کج کرده اند و از کنار رفته اند چیز هائی در این مملکت میشود که اگر بترتیب صحیح و حسابی بود مملکت باوا اجازه نمی داد و بایستی مجلس بیاید ولی راه قانونی خیلی درست و حسابی هم برایش درست شده است و هر روز قراردادها امضا میشود و مجلس نیاید و اجرا میشود و در این مملکت نرمان های قدیم را که نسخ شده تصحیل نمیکنند و اجرا میکنند

بنده این اخبار را شنیده ام و نمیتوانم در جزو این مطلب بیاورم زیرا که اگر راست باشد هر کدامش میتواند موضوع يك استیضاح مستقلی واقع شود

ولی میخواهم نظر مجلس را متوجه کنم که اخبار خیلی موحش شنیده ام که همه نوع امتیازات و تصرفات خارجی دارد محکم میشود که بعضی ها مشاهده است و بعضی ها هم دارد امضا میشود

لینا لازم میدانم با آقایان عرض کنم که در این امور باید دقت زیاد کرد لازمه دقت همین است که بنده پیشنهاد کرده ام که چهل و نه درصد که فروخته شد آن پنجاه و يك درصد دیگری را که ما گرفته ایم در کجای قانون نوشته شده است که حق نداریم آن را بفرهیم؟

البته باید شرط شود که آن پنجاه و يك سهم دیگر هیچ نوعی از آنجا خود بنجو وصیت و باز که و یا هر نوع دیگری بخارجی منتقل شود

يك نکته دیگر راجع به این است که این چهل و نه درصد از سهام که نوشته شده است.

آقای آقا شیخ جلال خیلی دوست فرمودند این کافی نیست و انواع و اقسام ترتیبات قانونی هست.

رئیس - این قسمت دیگر چه پیشنهاد آقایان است؟

تقی زاده - بلی برای این هم يك پیشنهاد دیگری کرده ام و تقدیم می کنم و توضیح این قسمت را در آنجا عرض میکنم

وزیر فوائده عامه - بفرمایید بگمترتبه دیگر پیشنهاد آقا قرائت شود

(پیشنهاد آقای تقی زاده مجدداً شرح

سابق قرائت شد)

وزیر فوائده عامه - بنده اینکه تقاضا کردم پیشنهاد آقا خوانده شود محض این که که دقت کنیم و ببینیم شاید بنده اشتباهی کرده باشم چون خیال نمیکنم آقای تقی زاده باین شکل این پیشنهاد را بکنند در صورتیکه خود این ماده همان معنی را می رساند زیرا قانون باید خودش يك عبارات موجز و مختصری باشد

جزئیات را که نمی شود در قانون ذکر نمود که برای يك ماده پنج صفحه شرح و بسط در ذیل ماده بدهند

باید قانون را يك طوری نوشت که تمام مقاصد را که ممکن است در پنج صفحه نوشت در يك اصلی تأمین کرد در این جا میگویم فقط چهل و نه درصد این سهام قابل انتقال بخارجی ها است وقتی این قید در قانون شد فقط ۹۹ درصد قابل انتقال شد.

طبیبان آن پنجاه و يك در صدی که باقی مانده است قابل انتقال نیست این يك مسئله است خیلی روشن و بالاخره بنده این پیشنهاد را ضروری میدانم

زیرا این ماده همان مقصود را می رساند و همانطور که عرض کردم وقتی ۹۹ درصد قابل انتقال شد آن پنجاه و يك درصدش قابل انتقال نخواهد بود و این مسئله بدیهی است

اما آن مسائلی که مربوط باین پیشنهاد نبود و فرمودند بنده نمی توانم جواب بدهم چون سربسته ذکر کردن ولی همینقدر عرض میکنم که شاید نگرانی هائی که دارند مورد نداشته باشد و قطع دارم اگر يك چیز هائی شنیده باشند (نمیدانم چه چیز هائی است) شاید اساس نداشته باشد و ادوات قطعاً قادر نخواهد بود برخلاف ترتیب يك کار هائی بکنند و امضا هائی بدهد و بر خلاف ترتیب هم کاری نخواهد کرد که يك خبرهای موحش داده شود و از ارجاع باینکه فرمودند

هر يك از این مسائل ممکنست مورد يك استیضاحی بشود عرض میکنم مسئله استیضاح يك مسئله است که آقای تقی زاده هر وقت خواستند استیضاح بکنند بنده در آن قسمتی که راجع بخودم است یا کامل جرات حاضرم که بیایم و جواب عرض کنم.

برای اینکه هیچ کاربردی نکرده ام و گمان نمیکنم هیچ وقت هم کاربردی از من سرزند.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مخبر - کمیسیون قبول نمیکنند

رئیس - رای میگیریم بقبل توجه بودن پیشنهاد آقای تقی زاده آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ماده سزده

با این پیشنهاد بعضی پیشنهاد های دیگر ارجاع بکمیسیون میشود

آقا سید یعقوب - بنده هم پیشنهاد کرده ام اجازه می فرمایید توضیح بدهم؟

رئیس - موقمش حال نیست در موقعی که تا بنی این ماده مطرح میشود ممکن است بفرمایید بقدره دقت تفسیر دادند می شود.

(در این موقع جلسه برای تفسیر تعطیل و پس از يك ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده چهارده قرائت می شود.

(شرح آتی قرائت شد)

ماده چهاردهم - هرگاه اختلافی راجع به مواد این امتیاز نامه بین دولت و عهده صاحبان امتیاز تولید شود موضوع اختلاف بدون نظر حکم یکی از طرف وزارت فوائده عامه و دیگری از طرف صاحبان امتیاز در ظرف یکماه تعیین خواهد شد هر چه می گردد حکمین بر بود قبل از شروع رسیدگی حکم ثالثی را انتخاب میکنند.

رای حکمین و در صورت عدم توافق نظر آنها رای حکم ثالث قطعی خواهد بود و بموجب حکم هیئت وزراء عظام موقه اجرا گذارده میشود.

تبصره - هرگاه تا مدت یکماه و نیم یکی از طرفین حکم را معین و معرفی ننمود حق طرفی که حکم را معین نموده ثابت خواهد بود

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب - بنده فقط این جا خواستم يك توضیحی از آقای مخبر بخوامم در اینجا نوشته شده است که هرگاه راجع به مواد این امتیاز نامه اختلافاتی تولید شود بنده عرض میکنم که اگر اختلاف در چیز های دیگری هم فرمایند صاحب امتیاز و دولت حاصل شد مثلاً صاحب امتیاز مخارج را زیاد نوشته باشد یا بگوید امیاشات این قدر بوده است

دولت بگوید غیر بیشتر است یا کمتر است اینها که در جزو مواد این امتیاز نیست میخواستیم ببینیم که آنها در جای دیگر تأمین میشود یا فقط همین مواد مقصود تأمین میشود یکی هم نوشته شده است

در صورت عدم توافق نظر آنها رای حکم ثالث قطعی خواهد بود خوب و دقت نظر حکم معین میشوند يك حکم ثالث هم انتخاب میکنند آیا اینجا کثرت مناط هست یا نه اینجا نوشته شده است رای حکمین قاطع است

البته این در صورتی است که آنها توافق حاصل کنند حال اگر اینها توافق نظر حاصل نکردند رای حکم ثالث ببنهائی قاطع خواهد بود؟

چون ممکن است یکی از حکمین يك

نظریه اتخاذ کند و دیگری يك نظر دیگر و حکم ثالث هم اصلاً يك نظریه خلاف نظر آن دو نفر هم اتخاذ کرد رای اوقاطع است؟ این يك چیزی است ولی اگر مقصود این نیست عبارت يك قدری ناروا است

وزیر فوائده عامه - در قسمت اول که فرمودید راجع به مواد کلیه مسائلی که مربوط باین مواد میشود یعنی بموجب این مواد يك تکلیفی معین شده است برای صاحبان امتیاز که باید تکالیف را اجرا کنند و در تفسیر این مواد و کلیه شقوق هر اختلافی که پیدا شود راه حلش این است که در اینجا نوشته شده است و اما قسمت دومی که آقا استلال کردند و نتیجه رسیدند مقصود هدین است

مقصود اینست که اگر اختلافی واقع شد يك راه حلی پیدا شود و در آن راه حل اگر توافق بین دو حکم پیدا نشد مقصود حاصل است و در صورتی که توافق پیدا نشود آن وقت حکم ثالث را میآورند و هر چه ارزای داد قاطع است

چون سه شق ممکن بود اینجا بایش بینی شود یعنی اگر میگوئیم رای ا ثروت قاطع است باز ممکن بود رای حلی نباشد چون سه نفر سه رای است و يك رای است که گذاشته شده است برای حل قضیه رای حکم ثالث است و مثل این است که در قضایا شما حکمیت را بيك نفر داده باشید و هیچ مانعی هم ندارد و این راه حل خوبی است

رئیس - آقای حائری راده (اجازه)

حائری راده - موافقم

رئیس - آقای کازرونی کازرونی - موافقم

رئیس - آقای شیروانی شیروانی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای افسر افسر - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - پیشنهاد آقای یاسانی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم « یا شرکت قائم مقام آنها » در سطر دوم بعد از « صاحب امتیاز » اضافه شود

یاسانی - در اینجا نوشته شده است اگر اختلافی بین دولت و عهده صاحب امتیاز واقع شود چون ممکن است شرکتی تشکیل شود که آن شرکت قائم مقام صاحب امتیاز شود

در این صورت اگر يك اختلافی حاصل شد فی مابین دولت با آن شرکتی که قائم مقام صاحب امتیاز است آیا این اختلاف

هم نقش بهمین نحوی است که در این ماده نوشته شده است با طور دیگری است؟

مخبر- بنده در این قسمت فقط این را قبول میکنم که نوشته شود هرگاه اختلافی بین دولت و صاحبان امتیاز یا شرکت قائم مقام آنها تولید شود رئیس - جمله پیشنهادی بعد از صاحبان امتیاز علاوه میشود و اینطور میشود (بین دولت علیه و صاحبان امتیاز یا شرکت یا قائم مقام آنها تولید شود) رأی گرفته میشود بنده چهارده با این اصلاحی که آقای مخبر قبول کردند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - بتصیرم داشت که خواننده شد بنابراین بتصیرم رأی گرفتیم ماده پانزده قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد) ماده پانزدهم - برای بدست آوردن حلف اصل السوس رضایت مالکین اراضی شرط میباشد صاحبان امتیاز است که ترضیه مالکین اراضی را بعمل آورند رئیس - آقای کازرونی از قبول پیشنهادی که در این قسمت هم همانطور که آقای یاسائی در ماده قبل تذکر دادند اینچاهم بنده قبول میکنم که بعد از صاحبان امتیاز یا شرکت قائم مقام آنها اضافه شود رئیس - نظریه آقای اتحاد هم بعد از قبول پیشنهاد آقای حائری زاده تأمین شده است اتحاد - بلی رئیس - نظریه آقای امامی هم تأمین شده است امامی - بلی رئیس - رأی گرفته می شود به ماده پانزده با اضافه یا شرکت قائم مقام آنها بعد از جمله صاحبان امتیاز آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای آقا میرزا شهاب آقایان ترضیه مالکین اراضی را ترضیه مانسین اراضی را از هر جهت بعمل آورند میرزا بدالله خان نظامی - در قسمت حلف اصل سوس در اینجا مینویسد که باید رضایت صاحبان اراضی را بعمل بیاورند ولی در قسمت سایر مداخلات ذکری در ماده نشده شاید اصل ماده هم نظر بند را تأمین کند ولی این هم ضرری ندارد که قید شود رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - اگر نماینده محترم درست در ماده دقت نکنند پیشنهاد خودشان را استرداد میکنند ما در حکم قانون گفتیم سلب تسلط مالکین از املاکشان بشود یا کدام يك از قوانین ما این حکم را کرده؟ ما امتیاز احدات کارخانه را میدهم - حالا بیاییم

روزنامه رسمی گورشانهای

خودشان را بگویند . رئیس - هنوز دستور ختم نشده است (آقای حائری زاده بجای خود مراجعت نمودند)

رئیس - شور در کلیات لایحه است آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - در اصل لایحه البته مخالفی نیست ولی طرز تنظیم لایحه طوری شده است که بنده در موافقت ابته مفصل تر عرض خواهم کرد

فقط در کلیات این لایحه بنده میخواستم نظر آقایان نمایندگان را که بصورت کمیسیون نبوده اند متوجه کنم باینکه این لایحه مربوط بتمام دیوان داخلی ایران نیست یعنی فقط مربوط بیک قسمت مخصوص است که در ضمن مواد احساس خواهند فرمود اصل را اینطور می که بنده در نظر دارم دولت در اینجا رعایت کرده یکی دیونی که در عرض خدمت است یکی دیونی که در عرض آن اشیاء یا اجناس بدولت داده شده است یکی دیگر هم دیونی است که محدود بیک زمانی کرده اند یعنی دیونی که از آن زمان تا حالا بجهت دولت تعلق گرفته است و در وقتیکه ما مراجعه کنیم به یونی که دولت دارد می بینیم بعضی دیون صحیح و مشروع است ام از دیون کوچک و بزرگ که شامل این دو اصلی است که در معنی نظر گرفته و نه شامل زمانی است که معین کردند

بنده راجع باین موضوع یک پیشنهادی در کمیسیون بودجه کردم و غالب اعضاء محترم کمیسیون هم تصدیق فرمودند فقط آقایان که در این موضوع در مجلس مذاکره شده که برای سایر دیون هم نظر گرفته شود

این نکته اساس این لایحه است که بنده در کلیات خواستم نظر آقایان را متوجه قایل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - قایل توجه نشد زعیب - بنده هم يك پیشنهادی کردم

رئیس - در قابل توجه بودن تجزیه سابقه ندارد - موادی که در این لایحه بود تمام شد فقط باید منتظر خبر کمیسیون ایران وجود نداشته باشند در آتصورت پس از حصول اجازه از وزارتین خارجه و فوائد عامه که از انبیاغ کدام دولت بتوانند استخدام نمود صاحبان امتیاز اقدام میکنند

میرزا شهاب - کی استوان آقا میرزا شهاب - در کرمان ماملتی است معروف که میگویند سراز قائم بستن بدرد نمی آید

حالا هم بنده در اینجا عرض میکنم ما اگر مواد را يك قسمی بنویسیم که از هر تصویری و توهمی دور شویم بهتر است

بنده يك گفتف كه باید داخل در ترضیه شد آنوقت ایرادات و نظریات آقایان در موقع شور در مواد باید گفته شود ولی اینكه باید دیون دولتی مطرح شود و يك ترتیبی برای دیون دولتی داد آقای شیروانی موافقت و باید داخل در موافقت و نظریات خودشان را فرمایند

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است رئیس - نسبت بکفایت مذاکرات مخالفی نیست

بنده يك گفتف كه باید داخل در ترضیه شد آنوقت ایرادات و نظریات آقایان در موقع شور در مواد باید گفته شود ولی اینكه باید دیون دولتی مطرح شود و يك ترتیبی برای دیون دولتی داد آقای شیروانی موافقت و باید داخل در موافقت و نظریات خودشان را فرمایند

روزنامه رسمی گورشانهای

صورت صحیح بدست بیاید بعد جواب عرض میشود

اما در باب مسئله صندوق که می فرمایند بلی سؤال نماینده محترم رسیده است و منظور هم این بود که جواب هر چه زودتر داده شود منتهی جواب مستلزم این است که تحقیقاتی بعمل بیاید تا بتوان شرح قضیه را حکایت کرد اخیراً يك برداشت هائی از صندوق مالیه اصفهان ظاهر شده است و کاینکه معظون بوده اند و تصدیق شده اند احضار کرده اند

معا کاتی در مرکز تشکیل شده است بعضی از آنها آمده اند و یکی دیگر از آنها هست که او را هم امر داده اند بفرستند و فعلاً چون معظون هستند دولت امر داده است اموال اشخاصی که معظون هستند در تحت نظر باشد تا اینکه در معاکرات يك رسیدگی هائی بعمل بیاید تا معلوم شود که قضیه یکی وارد میشود و بر هر که وارد میشود تاجمیزی است تا بر طبق مقررات معاکراتی نسبت بآنها عمل شود

مخصوصاً این مسئله را با نهایت جدیت و مراقبت وزارت مالیه مشغول است باینکه در معاکرات مراقبت کنند و تقدم این مسئله را نسبت بسائلی که اهمیتش کمتر است بشناسد و مشغول هستیم و البته تشریح را بطور کافی بر عرض میرسانم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) (در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج میشدند)

رئیس - آقایان خوب است تشریف بفرمایند

بنده يك گفتف كه باید داخل در ترضیه شد آنوقت ایرادات و نظریات آقایان در موقع شور در مواد باید گفته شود ولی اینكه باید دیون دولتی مطرح شود و يك ترتیبی برای دیون دولتی داد آقای شیروانی موافقت و باید داخل در موافقت و نظریات خودشان را فرمایند

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است رئیس - نسبت بکفایت مذاکرات مخالفی نیست

ذکر شده نیست يك اسامی مختلفه دارد كه تمام آنها امکان ندارد و پس از آنكه كلیه (دو غیره) یا (بهر اسم و رسم) نوشته شود شامل تمام اینها میشود و بنده میدانم هم مقصود دولت هم نظر اعضاء محترم کسبیون از این ماده و از این قانون اینست که مردم از تادیه هر گونه مالیاتی خارج از این ماده که در این قانون معین و نوشته شده معاف باشند.

حالا که اینطور است بنده عرض می کنم این عبارت کافی نیست - زیرا فقط شامل این دوسه فقره که ذکر شد می شود و مثلاً شامل مالیات های دیگر از قبیل مالیات سرتراش و طعام خوری و غیره نمی - شود.

بعلاوه در تبصره يك عبارتی نوشته شده که فوق العاده برای مردم اسباب زحمت میشود.

در اینجا حکم میکند به يك حکم عجیب و غریب؟ و میگوید هر چیزی که در دفتر رقبات ثبت شده است خالصه دولت است. این دفتر چیز فریبی است.

تشریف ببرید بمالیه و ملاحظه کنید اصل اینست که مملکت را مال دولت دانسته و میگوید هر کسی ادعای ملکی می کند باید سند ارائه بدهد ثابت کند و حال آنکه این غلط است اصل مملکت مال مردم است و مردم دولت را تشکیل میدهند برای اداره کردن امور خودشان اگر اینطور باشد ملاحظه کنید.

فرضاً فلان خانه ملك اجدادی منست و چندین سال است که در يد من است می گویم این ملک در تصرف من است و بدأ يد من رسیده می گوید خبر موجب دفتر رقبه مال دولت است؟ چیز فریبی است؟ این دیگر کیست تازه پیدا شده؟ آنوقت تمام املاک مردم را میگیرند فقط بعنوان اینکه در دفتر رقبه ثبت است.

خوب است اینجمله را حذف کنید و الا مردم دچار هزار گونه مشکلات خواهند شد و همین عبارت خالصه دولت کافی است.

معاون وزارت مالیه - البته نظر مجلس باین قبیل مسائل هر چه باشد بنده عرضی ندارم لیکن بنده ناچارم که از آن اداره و وزارت خانه که مدرک در دست دارد برای حفظ حق دولت یعنی حق مملکت و حق کلیه و قاطبه مردمی که در این ملک زنده گانی می کنند کاری کنند دفاع کنم؟

دفتر رقبات يك چیزی نیست که اخیراً دولت از يك کارخانه بیرون آورده و روی ميز گذاشته است بلکه دفتر رقبات عبارت است از اساس آنچه که متعلق بدولت است و باید آنرا نگاهدارد.

دوازدهم گذشته و قرون اخیر حتی تا

چند سال قبل از خودمان بواسطه يك سهل انگاری ها وعدم مواظبت هائی كه از طرف دولت ما شده است يك مقدار زیادی از املاك مردم را در تصرف من غیر حق تصرف کرده اند.

حالا در يك مواردی اگر اتفاق بیفتد که من غیر حق دولت اظهاری بکنم و طرف بواسطه اسناد و مدارك حقه خودش ثابت کند و مدلل سار که فلان ملك خالصه نیست و شخصی است و حقیقتاً ذی حق باشد.

این دلیل برای این نیست که در تمام نقاط البته دولت هر جا که ببیند ملکش را برده اند باید بموجب اسنادی که دارد از آن ها پس بگیرد - البته بنده موافق نیستم که دولت اجعاف و تمدي کند و چشم طمع به مال مردم داشته باشد و مقصود هم گرفتن مال مردم نیست.

منظور این است ملك دولت بیش هر هر که هست مسترد شود و خوبست مطالب را در حدود متعل خودش قرارداد که از حد اعتدال خارج نشود و بدرجه مبالغه نباید رفت.

گاهی هیچو خیال میشود که دولت عبارتست از يك اداره ظلم و جور و ستم و اعتراف - در صورتی که همچون نیست و اگر بخوایم در حد اعتدال خارج شویم و طرف دیگر قضیه را بگیریم ممکن است حق دولت پایمال شود.

پس مطالب را وقتی که در حدود خودش حل کردیم و نگاه داشتیم آنوقت حق هر کس در جای خودش محفوظ خواهد ماند.

بنده در مسئله دفتر رقبه که آقا تعجب میکنند خیال میکنم اکثر آقایان که طرف مذاکره با ادارات مالیه بوده اند بخوبی مسوق و مستحضرنند که دفتر عبارت از چیست حالا اگر اینکلمه رقبه برای آقا و خبلی وحشت انگیز است آن چیز دیگری است.

وای عمل دولت در استرداد املاک خودش که خالصه است بر روی دفتر رقبه بوده است و دولت برای اینکه بخواید املاك خالصه خودش را پس بگیرد هیچ سند و مدرک دیگری غیر از این دفتر ندارد و بموجب این دفتر باید مطالبه حق خودش را بکنند.

رئیس - آقای عدل موافقید؟
عدل - بله - بخوانم - جواب آقای کازرونی را عرض کنم
رئیس - جواب داده شد
آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - مخالفم
رئیس - بفرمائید
شیروانی - در اینجا مطالب فدری

مخلوط میشود - يك وقت بخوایم اسناد و مدارك رقبه و قوانینیکه از سابق بوده سندیت بهمیم.

این همان نكته ای است كه آقای تقی زاده در اینجا بیرون فرمودند - ما مخالفیم كه در يك زمانی يك فرمان یا يك سند و ككافدی كه يك گوشه بوده امروزه او را مأخذاً و نگذاری فرار دهیم.

هیچ ممكن نیست كه ما هیچو رجعت عجیبی بكنیم و برگردیم بوضعیت پنجاه سال قبل و آن قوانین و او را را كه بنده و آقایان هم میدانیم بچه ترتیب و كیفیت داده شد مأخذاً و نگذاری فرار دهیم.

يك شخصيكه در يك روزی يك اراده کرده (حالا آن اراده غلط بوده یا صحیح بنده كار ندارم) ما حالا بیايم و آنرا مدرک قانونی قرار دهیم.

این بعتقه بنده خوب نیست و این عمل جدیدی نیست که ما حالا می خواهيم بكنیم ما منظور که در ادارات کسبیون می کنند برای اینکه در يك قضیه را اصلی پیدا کنند ما هم را محل پیدا کنیم و نظر ما در تعديل مالیات وضع قانون مجبزی این نیست ما می خواهيم تمام آن دفتر را بدهيم باینه و يك رقبه جدیدی ایجاد کنیم در این صورت دیگر نباید به آن نظر و كافتة های سابق مراجعه کنیم و آنها را مدرک قرار دهيم.

بنابر این بنده هم از نقطه نظر مردم و همه برای صرفه دولت و مملکت این تبصره را مضر میدانم بنده البته مثل آقای کازرونی نیستم که مابین دولت و مردم فرق بگذارم و همرا یکی می دانم و دولت را هم نماینده ملت می دانم وای از نقطه نظر عمل بنده این تبصره را هم برای دولت و هم برای مردم مضر میدانم.

دیگر اینکه دولت در اینجا دوسه قسم مرتع قائل شده یکی مرتع ملکی خود دولت و یکی مرتع مملکت و آنرا هم مال خودش دانسته و یکی هم مرتع اشخاص.

در صورتیکه اینطور نیست و بنظر بنده مرتع از دوسو مرتع خارج نیست یا مال دولت است یا مال مردم.

آن مرتعیکه مال مردم و ملك شخصی است از وظیفه ما خارج است که دخل و تصرفی در آن بکنیم - ملاحظه بفرمائید در اطراف املاك مردم در كونه ها و صغاری يك مرتعی است که محل عبور و مرور ایلات است این ملك مردم است و خرید و فروش میشود.

ما اهل این مملکتیم و همه این چیز ها را می دانيم این قسم مرتع مال مردم است دولت باید بگمايانی در مواشی که برای چریدن در آنها میروند بگیرد ولی يك وقتی غیر از اینست و مرتع مال دولت است اعم از اینکه بهو مال کسی بوده و بعد باقی شده و دولت آنرا ضبط کرده و حالیه خالصه شده است یا اینکه اصلاً خالصه و مال دولت بوده.

در هر حال بعتقه بنده دولت مكلف است كه این صغاری و براری را من نگاهدارد و در عوض از كوسفندان مردم که در این مراتع و صغاری میچرند و آنها را حفظ می كند يك حقی بگردد و مردم هم البته يك حقی بدولت خواهند داد.

مثلاً ما آباديك دهی است در اصفهان كه اهالی آن كوسفند دارند و در زمستان میروند نزد يك بابايك و قشلاشان در آنجا است و در مراتع آنجا كوسفند ها شانرا میچرانند و بیلاشان در فرزندست كه نقطه ایست در جنوب غربی اصفهان و در آنجا كوسفند های خود را میچرانند.

بطوریکه در این تبصره نوشته شده این بدبختها ساجا باید مالیات بدهند هم در قشلاق هم در بلاق و هم در خالصه دولت و حال آنکه اساساً ما بگمايانی برای مواشی قائل شده ایم - و دولت بهیچ عنوان از هیچكسی حق ندارد مالیات را تعین بگردد و مالیات را تعین عبارتست از مالیات مواشی که در مراتع چرانی میکنند و باید يك حقی هم بدولت بدهند و بنده بصورتی که در چارچوا مشكلات خواهد شد.

از اینجهه بنده پیشنهاد حذف این تبصره را کرده ام و لازم نیست عبارت بنده الهالین اصلاح شود يك تبصره باید حذف شود دیگر اینکه در سطر اول بنده خواستم از آقای مغیر سؤال کنم كه ایشان توضیح بدهند مقصود این است كه پس از مجبزی در هر نقطه مطابق این قانون كلیه مالیاتهای مستقیم را ضری و آب میوقوف میشود.

یا مقصود اینست كه پس از آنكه در تمام مملکت مجبزی تمام شد آنوقت مالیاتها موقوف خواهد شد؟

اگر مقصود در هر نقطه ای است كه مجبزی شده بنظر بنده جمله ناقص است و باید اینطور نوشته شود

پس از آنكه مجبزی در هر نقطه مطابق قانون تمام شد فرض اینست جمله (در هر نقطه) باید قبل از مطابق این قانون نوشته شود.

مغیر - بنده كار ندارم كه دولت كیست و وظیفه او چیست دولت چیز تازه نیست و مملکت هم مال همه مردم است - منتهی هر كدام يك نكته از مملکت را مخصوص خودش کرده و آن چاروا ملك شخصی خود کرده اند

ولی آنچه ایها را كه مردم تصرف نکرده اند دولت در دست گرفته برای اینکه آنها را حفاظت و نگاهداری و آباد کنند.

دولت ما در این مسئله ذوجذبیت است یعنی هم جنبه عمومی دارد و هم جنبه خصوصی یعنی چون دولت املاك خصوصی دارد و يك املاك را خودش پند میدهد و خودش زراعت می كند و از عواید حاصله این املاك يك قسمت از بودجه مملکتی را

اداره میکند از اینجهت جنبه خصوصی دارد.

يك جنبه عمومی هم دارد كه مرتع كوه و دشت و بیابانها را باید حفاظت كند تا مواشی مردم بدون صدمه بتوانند در آنجا ها چرا كنند.

مالیاتها كه در ماده اول ماذكر کرده ایم اگر آقایان بآمانه مراجعه فرمایند می بینند:

چنگل و مرتع از عایدات مطلق مالكانه صدمه همینطور كه مالكیت اشخاص را نسبت باملاك و مراتع آنها قائل شده ایم همینطور هم مالكیت دولت را باید نسبت بمراتع و املاك خودش قائل شویم باین معنی كه در هر جا كه دولت مرتع دارد باید عواید آنجا را بعنوان عایدات مراتع خالصه بگیرد و جمع آوری كند.

نسبت بمراتع عمومی كرجه دولت جنبه مالكیت شخصی ندارد ولی چون دولت باید آنها را حفاظت كند از اینجهت باید بعنوان مالیات يك حقی بگیرد نهایت در مراتع خالصه دولت حق چاروا را ستجازه و هر گونه دخالت را دارد و در املاك و مراتع عمومی این حق را ندارد و فقط يك حقی میگیرد.

مادام که ما خالصه داشتن را برای دولت قائلیم نمیتویم این حق را از اولسب کنیم همانطور که در املاك خالصه دولت عایدات كند و مجبوراً جمع آوری می كند عایدات مراتع آنرا هم می توانند جمع آوری كند و البته وقتی كوسفند بنده و چنابانی میروند در مراتع خصوصی دولت استفاده میکنند باید يك حقی بدولت داده شود.

چنانچه ملك بنده اگر مرتع داشته باشد و كوسفند شما بیايد در آنجا بخواهد چرا كند تا بنده يك حقی بگیرم نمی گذارم كه كوسفند شما در آن چرا اند دولت هم این حق را كه می گیرد بعنوان املاك و مراتع شخصی است نه بعنوان مالیات عمومی اما شرحی راجع به دفتر رقبات فرمودند.

ما در این جا دفتر رقبات را تصدیق نمی كنیم . . .

يك نفر از نمایندگان - تصدیق می - كنم.

مغیر - خير اینطور نیست - تصدیق نمیكنیم - اگر ما می نوشتیم دفتر يكه از روی تقلب است یا جعلی است آنوقت اینطور كه میفرمائید بودولی مادفتر صحیح را مدرک میدانیم نه دفتر تقلبی را و ما بدفاتر صحیح رای می دهيم نه به دفاتر جعلی و تقلبی.

املا كيكه در تصرف دولت است و در دفتر رقبات هم ثبت شده این املاك را ملك دولت می دانيم نه يك املا كيكه ثبت دفتر را مدرک میدانیم نه دفتر تقلبی را و ما بدفاتر صحیح رای می دهيم نه به دفاتر جعلی و تقلبی.

دولت باشد و در دفتر او هم ثبت باشد اما بموجب اسناد مال دیگران باشد ما آن املاك را هم ملك دولت نمیشناسيم و همچنین ملكی كه در دفتر دولت قرضاً ثبت بوده ولی از پنجاه سال از صد سال باین طرف در تصرف دولت نبوده است این املاك را هم مال دولت نمیدانيم زیرا ممكن است فروخته باشد و حالا سندش گمشده باشد یا بواسطه هزل دیگر از يد دولت خارج شده باشد.

بهر حال باستانی رسمیت میدهيم كه در دفتر دولت ثبت شده باشد یا هم عمل شده باشد - حالا آن اسناد باقرامین است یا امتیازات هر چه هست ما این قبیل مدارك و دفاتر را رسمیت میشناسيم و الا كلمه رقبات حجت ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاكرات کافی است - دست قیاب - کافی نیست - اگر اجازه بفرمائید عرض می كنیم چرا کافی نیست رئیس - بفرمائید.

دست قیاب - این يك مسئله مبتدی بهی است كه اغلب آقایان اهمیت او را بی بردانند و لذا این همه پیشنهاد شده اساساً بنده معتقد نیستم كه در يك قانون باین معنی همینقدر كه دو نفر حرف زدند گفته شود مذاكرات كافیست اگر بنا شود دو نفر صحبت كنند و بعد آقایان بگویند مذاكرات كافیست این برخلاف فلسفه مجلس شورا است - اگر این طور بود ممكن بود در كسبیون تصویب كنند پس دیگر بمجلس چرا می آورند.

آقای حائری زاده و همچنین آقای معاون يك فرمایشی فرمودند كه باید جواب داده شود و اگر جواب داده نشود آنوقت يك سندی بدست دولت داده می شود كه بعنوان دفتر رقبات در املاك مردم دخالت كند - از این جهت خوب است تمام حرفها رده شود.

رئیس - رای می گیریم بلكفایت مذاكرات.

آقایانی كه كفايتی می دانند قیام فرمایند.

(مصدودی قیام کردند)

رئیس - مذاكرات کافی نیست آقای تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی تهرانی - بنده بیانات آقای حائری زاده را قائل توجه میدانم باینكه دولت هم مثل مردم جنبه خصوصی دارد - لیکن عیبی كه پیدا کرده همان عبارت در دفتر رقبات ثبت است - قانون ثبت اسناد از این مجلس گذشت.

موافق قانون دوره دوم مردم می آمدند و املاك خودشان را ثبت میکردند پس از اینکه به آن ترتیب املاك را در آورده ثبت اسناد ثبت میکردند باز وقتی كه میخواستند بیروند تصرف كنند

ده تا شصت ناله پیدا میشد كه می آمدند و اقامه دعوی بر آن املاك میکردند - این دفتر رقباتی كه معلوم نیست يك نفر دراز نویس قدیم یا كردد نویس جدید يك چیزی را ثبت كرده همینكه يك چیزی در این دفتر ثبت شد بمنزله وحی منزل است و بالاتر از ثبت اسناد می شود.

از يك طرف اداره ثبت اسناد را در مملکت درست میکنند آنوقت در مقابل اداره ثبت اسناد دولت دفتر رقبات درست میکنند و اثر وضعی بر او مترتب می كند و او را جزء اسناد رسمی حساب می كند.

در حالتی كه يك نفر فاسق یا مجهول الحال یا خیر يك شخص خوبی نوشته كه این خانه معدود بفلان حدود و فلان حدود مال دولتست - دولت این را باید مستند قرار دهد و فوری برانه خودش حاكم بدهد.

عیب مالیه این است كه هم مدعی است و هم قاضی و هم مجری وقتی كه مملکت قانونی شد - عدلیه يك سمت است - مجلس بكست و سایر ادارات دولتی هم يك سمت.

هر وقت دولت بعنوان وزارت مالیه خواست در يك موضوعی اقامه دعوائی بر کسی بكند كه مثلاً فلان ملك - ملك خالصه است باید مثل سایر مردم عرض حال بعدلیه بدهد و در آنجا محاکمه كند.

در این مورد دولت هم باید مثل سایر مردم در عدلیه دعوی خود را ثابت كند كه فلان ملك مال دولتست آنوقت او را ضبط كند.

بدبختانه این اصل در وزارت مالیه عمل نشده و هر وقت كه میخواهد يك ملكی را خالصه كند و آنجا را تصرف نماید فوری توسط طرف میزند و بلا میگردد و بعداً كمات مالیه كه محاکمات قضائی نیست - محاکمات اداری است و دولت هر ادعائی بر کسی دارد باید شخصیت بخورد بدهد و مثل تمام مردم چنانكه عرض کردم باید بعدلیه برود و در آنجا اقامه دعوی كند و الا با این كیفیت قضی ممكنست باقم يك دراز نویس تمام املاك ایران بعنوان خالصه بصصرف دولت در آید و دولت همه را ضبط كند.

معاون وزارت مالیه - بنده خیلی بهتر میدانستم و ترجیح میدادم كه برای اینکه وقت مجلس ضایع نشده باشد نسبت باین مطالب كه جزئیات خیلی دقیقی دارد توجهات بیشتری میشد و مخصوصاً اوراق و نوشتجاتی كه مربوط باین مطالب بود ملاحظه می شد تا بتوان

تصدیق یا تكذیب نمود یا اینکه در كسبیون خاصی یا در كسبیون مربوطه باین امر مذاكراتی میشد و مطالب خلاصه میشد و بعد میآمد بمجلس.

ولی چون باین ترتیب عمل نشده است باید در این جا بذكر جزئیات پرداخت و در نتیجه وقت مجلس تلف خواهد شد.

قبلا عرض کردم كه بر حسب دفاع از اداره باوزارت خانه كه تصدیق این كار است مجبورم دفاع كنم ولی حالا ناچارم كه يك قدری هم دفاع بكنم از صاحبان املاك یعنی اشخاصی كه فرمان در دستشان است و بموجب آن فرمان يك مقعاری از املاك را مالك هستند و ثبت آن فرمان هم عبارتست از همین دفتر رقباتی كه ما صحبت میکنیم.

اگر مادر يك طرف قضیه نخواهيم برای تكبیم و تثبیتش وقت كنیم ممكنست اسباب تزلزل و زحمت برای طرف دیگر قضیه بشود.

بنده گمان می كنم كه نسبت ب مسئله فرامین ثبت و رقبه و این قبیل چیزها اگر آقایان میل داشته باشند با تمام ضرورتی كه تصویب این قانون بوسیله مجلس و مملکت و وزارت مالیه خصوصاً دارد ایسن قانون بسانند ممكن است آقایان اصف بفرمایند و این مسئله دفتر رقبات و فرامین را يك وقتی از نزد يك بفرمایند بهیچند چیست و آن وقت در حدود آنچه كه ملاحظه شد در مجلس صحبت و مذاكره بفرمایند و باین مناسبت است كه بنده قیه مسئله دفتر رقبه را برای حفظ حق مملکت و مردم و برای رسیدن دولت به حق خودش همه لازم میدانم.

اما مسائلی را كه آقای تهرانی می فرمایند راجع باینكه وزارت مالیه در مراقبات رسیدگی می كند و در مسائل مالیه اختلاف مالیه دخالت می كند و بالاخره می فرمایند كه وزارت مالیه هم قاضی شده است هم جا كم بهم جری.

عرض میکنم این يك مسئله ایست كه گمان میکنم وزارت مالیه نهایت میل را داشته است و دارد - و همه روز هم در صدد است كه بلكه يك موقتی بدست بیاورد كه يك همچو چیزی را از خودش منترع نماید تا اینکه راحت بشود منتهی چیزی كه هست در كسبیونهای مجلس و در هیئت های دولت نسبت بموارد میینه كه بعضی اوقات مذاكره میشد و بعد از مذاكرات و دقت های زیادی این طور صلاح دانسته شد كه محاکمات مالیه مشغول برسیدگی این كارها باشد.

خاصه در امر خالصه تا زمانی كه كلیه اسناد و ترتیبات نسبت بخالصجات و املاك و مدارك

ایستادگی‌ها که در دست دولت بآمرکس هست يك صورت حسابی پیدا که و البته دولت ایران هم نباید مخالف باصوابی کدو سایر نقاط دنیا معمول است باشد بلکه باید تمام مطالب قضائی ارجاع شود بقوه قضائیه و در آنجا این نوع مطالب اصلاح و رسیدگی شود.

لیکن برای اینکه صرفه مردم و دولت منظور شده باشد اینطور صلاح دانسته شد که در معاملات مالیه این امور اصلاح شود و الامالیه نغرواسته است که بکسب امری را برای خودش احتکار کرده باشد.

حالا نمایندگان آقایان میل دارند که نسبت بمسئله رقبه مذاکراتشان ادامه دهند باهم تدکر میدهند که چقدر خوبست از نزدیک يك دقت کاملی نسبت بشب ورقه و فرامین بفرمایند باینکه اگر مقتضی شد مذاکره بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی و آقای میرزائی.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه و غیره باشد از تقاضای جنسی اضافه شود.

یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم کلمه و غیره در ماده ۹۹ اضافه شود.

میرزائی

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - باتوضیحاتی که آقای کلارونی دادند دیگر لازم نیست بنده توضیح زیادی برای لزوم قید این کلمه بهم.

خیلی از مالیاتها هست که بنظر بنده متعلق باملاک و اراضی است که میبایست ملغی شود.

من جمله مالیات میرایی است که در بعضی از ولایات میگیرند و بالاخره باید در اینجا این مالیات ها یا اسمش ذکر شود یا کلمه باشد که دال بر حذف این قبیل مالیات ها باشد و اگر ما کلمه و غیره را اضافه نکنیم مقصودی که ما از این ماده داریم عمل نخواهد آمد . . .

یگانه از نمایندگان - بعد از تصدیق و قید شده.

یاسائی - کلمه و غیره بعد از تصدیق و قید شده.

ابداً مربوط باین مالیات ها نیست برای اینست که این کلمه و غیره جلوگیری از آن چیزهایی که خلاف قانون است میکند و آن چیزهای خلاف قانون غیر از این مالیات ها است در این صورت کلمه و غیره در اینجا بجا میآید.

بنده لازم است.

رئیس - آقای مغیر - چه می فرمایند؟

مغیر - اگر ملاحظه فرموده باشند که کلمه (و غیره) را بعد از (تصدیق و قید)

داد و شامل عموم اینها می شود - می نویسد:

(خواه بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدنامه و تصدیق و غیره) و این در واقع تمام آتقست ها را تأمین میکند دیگر احتیاجی ندارد که اضافه شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی و آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(صدقلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد (پیشنهاد آقای زاهدی بمضمون ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که پس از کلمه (از من و آبی) کلمه (ایابی) هم اضافه شود.

زاهدی - همیشه در مالیاتی که گرفته میشود بعضی رؤسای ایلات و بعضی اشخاص متفرقه هستند که بعنوان مالیات ایلی از اشخاص که مالیات بده است يك مالیاتی بعنوان مالیات ایلی میگیرند از اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم که این کلمه هم اضافه شود. تا آن مالیات گرفته نشود.

رئیس - آقای عدل (اجازه)

عدل - در آن روزیکه این ماده مطرح شد بنده بشرح مفصلی راجع باین مطلب عرض کردم و حالاً باز خاطر آقایان را تدکر میدهم

در این جا ملاحظه بفرمایند نوشته شده تمام مالیاتها غیر از آنچه که در این قانون مصرح است لغوی می شود حالا وقتی که این حرفها در اینجا گفته می شود و مجلس هم رأی نمی دهد یا این که جواب داده نمیشود. آنوقت يك سوسه در کار پیدا میشود از این چه مالیاتی گرفته می شود؟

غیر از مالیات ملکی و حیوانی دیگر چه مالیاتی گرفته می شود اینجا تمام مالیات هایی که گرفته میشود اسم برد و مخصوصاً يك کلمه (و غیره) (بهر اسم و رسم) هم برای تأمین این قسمت ها اضافه کرده است

هر کدام از آقایان نمایندگان در قسمت معنی خودشان مبتنی بیک نوع مالیات هستند که قبل دارند اسم آن در اینجا ذکر شود و این هم که ممکن نیست ولی این کلمه بهر اسم و رسم شامل تمام این قسمت ها می شود و کاتبست و استند می کنم بگذارد باین ماده رأی بگیرند و این قانون تمام شود.

زاهدی - توضیح بنده را درست آقای توجه فرمودند.

رئیس - بایستید صحبت بفرمایند.

بااضافه توضیح هم نمی توانید بجهت جز اینکه

بگوئید پس می گیرم یا بگوئید رأی می گیریم.

زاهدی - خیر پس نیگیرم

رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای زاهدی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(دوسه نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای نظامی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۹ بعد از سطر دوم بعد از یادارانه نقدی و جنسی کلمه استرخانی هم نوشته شود. نظامی - عرض میکنم که غیر از لفظ خانواری و یادارانه نقدی که در این قانون هست يك مالیات دیگری هم بعنوان استرخانی در مملکت هست که بنده برای جلوگیری از اخذ آن مالیات این پیشنهاد را تقدیم نمودم

مغیر - یا آقایان کلاماً ملاحظه نمی فرمایند یا اینکه حقیقتاً بکنظری دارند که این قانون را معطل می کنند.

و فتنیکه نوشتم (بهر اسم و رسم) این دیگر شامل تمام اینها می شود و به علاوه وقتی که قانون نظام اجباری گذشت اینها را بکلی در آنجا الفاشد

نظامی - پس میگیرم

(پیشنهاد آقای ضیاء بنده منضم و قرائت شد)

پیشنهاد میشود که در ماده ۱۹ بعد از جمله (مالیات های مستقیم ارضی و آبی و حیوانی و سرانه و خانواری و یادارانه نقدی و جنسی) علاوه شود حق المرتع از مرتع عمومی و غیره و بصره ماده نوزده حذف شود

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده لازم می دانم يك توضیح مختصری در این زمینه عرض کنم. حق المرتعی که ما در نظر داریم گرفته نشود عبارتست از حق المرتعی که دولت بعنوان مالیات می گیرد والا صاحبان املاک میتوانند اجازه بدهند به نواقل و صاحبان حیوانات که حیواناتشان را در فلان زمین ببرند و مبلغی بدهند و بچرانند.

اینرا ما نمی توانیم مخالفت کنیم ما همیشه می توانیم بگوئیم که دولت حق المرتع از مرتع عمومی نمیگیرد. چنانچه در گرمانشاه از انومبیل هم می گیرند.

پس بنده پیشنهاد کردم که حق المرتع از مرتع عمومی در ماده اضافه شود و آنوقت بصره بکلی حذف شود.

بعضی از نمایندگان - صحیحست.

مغیر - اگر پیشنهادها طوری نوشته شده بود که آن قسمت مراتعی که مخصوص بفرمانه است استثناء می شد کیسیون می توانست موافقت نماید که حذف شود ولی چون این نظر را تأمین نمیکند نمی تواند قبول کند.

ضیاء - اجازه می فرمایید يك توضیحی عرض کنم

دست فقیه عدل رضوی . هر مزی . مفتی . مددی . چند امضاء دیگر

مغیر - بنده این را بول میکنم.

رئیس - کدام پیشنهاد را آقای مغیر قبول میکنند؟ اولی (و غیره) دارد. دومی ندارد.

مغیر - و غیره هم باشد همان اولی را قبول میکنم.

رئیس - نسبت به بصره يك پیشنهادی آقای مدرس کرده اند

مدرس - بنده دیگر آن را لازم نمی دانم.

رئیس - پیشنهاد آقای رضوی و آقای عدل و آقای امیر حسین خان هم در اثر بر حذف است.

رضوی - استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای مهدوی هم در همین زمینه است. پیشنهاد آقای یاسائی در بصره ماده ۱۹ آنها راجع بحذف بصره صارتی است.

مغیر - ضرری ندارد قبول میکنم

رئیس - پس کلمه (در هر نقطه) قبل از عبارت (مطابق این قانون) واقع میشود.

پیشنهاد آقای اسمعیل خان قشقای هم تأمین شد.

قشقای - بله تأمین شد.

رئیس - پیشنهاد آقای شوشتری

شوشتری - بنده هم پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای امامی و اسکندری و کلارونی و دکتر حسینخان بهر اسم هم در همین زمینه است

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب تبصره اضافی است

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب تبصره (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل باین ماده اضافه شود:

تبصره - پس از میزبی در هر قریه و قصبه مالیات هائیکه بعنوان مالیات صنعتی گرفته میشود هر صنعتی که از میان رفته است مالیات آن صنف ملغی خواهد شد.

آقاسید یعقوب - بنده در این ماده اجازه خواسته بودم ولی مذاکرات کافی شد و نوبت بن رسید و در همین زمینه پیشنهادی هم کرده بودم

آقایان نمایندگان که از اهل جنوبه هستند خوب میدانند که تا اول سلطنت ناصرالدین شاه جیت بر وجود در حقیقت نصف دوسه چیز بر وجود میبوشیدند و در قالب دهات صیافی بود رنگ رزی بود کرباس باقی بود. جولاکری بود و اینها اصنافی بودند که مالیات از شان گرفته می شد و چهار پنج قسمت از این اصناف بودند که مالیات معین داشت و در دفتر دولتی مطابق آن میگریفتند بکلی از آنها مالیات رنگری بود که حالا بکلی از بین رفته.

در ولایت بنده در آن دهی که

مسقط الرأس بنده است يك جمله بزرگ بود که اینها رنگری بودند و يك مالیاتی بعنوان رنگری میدادند.

ولی حالا این صنف از بین رفته است همین طور يك مالیاتی بعنوان کرباس باقی می دادند ولی حالا دیگر کرباس نمی یافتند چرا؟ برای این که البسه وطنی پوشیده نمی شود

ما هم راجع بالبسه وطنی تعقیب کردیم ولی تمببوشند.

همینطور بکلمه بودند نجولا باقی میگردند که حالا بکلی این اصناف از بین رفته اند و هیچ عنوانی ندارند و صنف دیگری هم نیامده است که جای آنها را بگیرد که بنده بگویم این اصنافیکه صیافی داشته اند و از بین رفته اند حالا که صنف دیگری آمده است جای آنها را گرفته این مالیات را بپردازند.

بعلاوه بین قصبه ای که دارای ده هزار نفر جمعیت بوده در آنرا از آوردن بانها که این مالیات ها را بگیرند رسیده است به دوست خانواده و همه بکلی متفرق شده اند.

آقایان و کلاه فارس خوب می دانند در این صورت بنده وجدان آقایان نمایندگان معترم را دعوی می کنم به فضاوت در این مسئله

رئیس - پیشنهاد آقای شوشتری

شوشتری - بنده هم پس گرفتم

رئیس - پیشنهاد آقای امامی و اسکندری و کلارونی و دکتر حسینخان بهر اسم هم در همین زمینه است

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب تبصره اضافی است

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب تبصره (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل باین ماده اضافه شود:

تبصره - پس از میزبی در هر قریه و قصبه مالیات هائیکه بعنوان مالیات صنعتی گرفته میشود هر صنعتی که از میان رفته است مالیات آن صنف ملغی خواهد شد.

آقاسید یعقوب - بنده در این ماده اجازه خواسته بودم ولی مذاکرات کافی شد و نوبت بن رسید و در همین زمینه پیشنهادی هم کرده بودم

آقایان نمایندگان که از اهل جنوبه هستند خوب میدانند که تا اول سلطنت ناصرالدین شاه جیت بر وجود در حقیقت نصف دوسه چیز بر وجود میبوشیدند و در قالب دهات صیافی بود رنگ رزی بود کرباس باقی بود. جولاکری بود و اینها اصنافی بودند که مالیات از شان گرفته می شد و چهار پنج قسمت از این اصناف بودند که مالیات معین داشت و در دفتر دولتی مطابق آن میگریفتند بکلی از آنها مالیات رنگری بود که حالا بکلی از بین رفته.

در ولایت بنده در آن دهی که